

دسترسی به پول و مناسبات قدرت در روابط همسران: مطالعه‌ای در اجتماع محلی زنان «دستان سبز» و تکیه شهدا»

سهیلا علیرضا نژاد* ، نیکزاد زنگنه**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۹

چکیده

این مقاله در پی بررسی تأثیر دسترسی زنان به پول در مناسبات قدرت در خانواده‌های فرودست است. پرسش این است که مناسبات قدرت در روابط همسران در این خانواده‌ها بر مبنای دسترسی به پول چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ پژوهش با استفاده از روش مردم‌نگاری نهادی و ارزیابی مشارکتی روستایی و با تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه، بحث‌های گروهی و رسم نمودار فعالیت روزانه در اجتماعات محلی زنان تکیه شهدا و دستان سبز در شهر تهران انجام شده است. بر پایه یافته‌ها پول و قدرت در خانواده، مفاهیمی عمیقاً جنسیتی هستند. پول توجیبی، پول خرجی، پول دیدنی، پول نادیدنی، پس‌انداز، ارثیه و هدایای والدین، صندوق قرض‌الحسنه خانگی و مهریه، پول‌های در دسترس زنان یا منابع آن هستند. عاملیت اقتصادی زنان در اجتماعات مورد مطالعه در کسب پول نادیدنی و مدیریت پول مردانه تعریف می‌شود. قدرت زنانه با هم‌نوایی با مرد شکل می‌گیرد و از نوع اقتدار اجرایی و در حوزه مسائل کم‌اهمیت‌تر است. کنترل نحوه هزینه‌کرد درآمد زن، امتناع از دادن پول و منع دسترسی زن یا فرزندان به تأمین نیازهای پایه‌ای از مصادیق خشونت اقتصادی است که زنان مورد مطالعه تجربه کرده‌اند؛ در مقابل، طی مدارای همدلانه همسران با وجود تفاوت در میزان دسترسی به پول، می‌توانند مناسبات قدرت را به‌طور مسالمت‌آمیز تنظیم کنند.

واژگان کلیدی: جنسیت، پول نادیدنی، پول زنانه، قدرت زنانه، خشونت اقتصادی

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (نویسنده مسئول).

soal802001@gmail.com

nikzad.zangeneh@gmail.com

** کارشناس ارشد مطالعات زنان.

طرح مسئله

خانواده نهادی است که وظیفه جامعه‌پذیر کردن افراد را بر عهده دارد، از این رو شناخت مناسبات جاری در بین اعضای خانواده بسیار اهمیت دارد. یکی از مهم‌ترین روابط در بین اعضای خانواده، به‌ویژه در دوران مدرن، مناسبات پولی است. هر خانواده منبعی از درآمد را برای ادامه حیات خود در اختیار دارد. صرف‌نظر از میزان درآمد خانواده، میزان دسترسی زنان و مردان به منابع مالی در خانواده متفاوت است. بوردیو معتقد است موقعیت افراد ابتدا در درون خانواده و سپس در جامعه برحسب حجم و نوع سرمایه آن‌ها مشخص شده و این شرایط جایگاه آنان را مشخص می‌سازد (بوردیو، ۱۳۸۰: ۵۸). به‌زعم بوردیو منابع اقتصادی منبع اصلی قدرت در جامعه هستند؛ یکی از منابع قدرت در جامعه نوین پول است (استونز، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

این که دسترسی به پول به‌عنوان بارزترین مصداق سرمایه اقتصادی و منبع قدرت مالی خانواده بر چه اساسی بین زن و مرد تقسیم می‌شود، معمولاً زنان را در شرایطی قرار می‌دهد که دسترسی کمتر و محدودتری به این منابع داشته و در موقعیت فرودست‌تری در مقایسه با مردان، قرار گیرند. دوگانه فرودست/فرداست ناشی از دسترسی نابرابر به پول در خانواده، ممکن است در رابطه متقابل با نابرابری جنسیتی جامعه نیز قرار بگیرد؛ اما عکس این رابطه همیشه صادق نیست؛ یعنی زنی که در جامعه به دلیل دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در جایگاه فرداست قرار می‌گیرد، لزوماً همیشه در خانه موقعیت مشابهی ندارد. این الگو نشان می‌دهد که رابطه پول و قدرت تک‌خطی نیست و متغیرهای دیگری روی آن تأثیر می‌گذارند؛ از این رو برای درک این مسئله لازم است بیشتر درباره دسترسی زنان به پول و توزیع قدرت، کنکاش شود.

دسترسی به پول تنها بر اساس جنسیت تعیین نمی‌شود بلکه «طبقه اجتماعی» نیز اهمیت ویژه‌ای در دسترسی به منابع اقتصادی از جمله پول دارد. ویویان زلیزر^۱ بر این باور است که پول یک مفهوم اجتماعی- فرهنگی است که متغیرهایی مانند طبقه اجتماعی و جنسیت بر آن تأثیر دارد (Zelizer, 2008: 348). در جامعه سرمایه‌داری به‌مثابه شکل

1. Vivian A. Zelizer

مسلط تولید در جوامع امروز، خانواده و اقتصاد دو قلمرو جداگانه‌اند. اقتصاد قلمروی است که تولید و تبادل کالا در آن صورت می‌گیرد. در چنین چارچوبی، زنی که در خانه غذا می‌پزد فعالیت اقتصادی نمی‌کند، حال آنکه اگر برای پخت همین غذا در رستوران استخدام شود، کار او اقتصادی به شمار می‌آید (زارتسکی ۱۳۹۰: ۲۸). بدین ترتیب با تغییر محل فعالیت، معنای اقتصادی آن دگرگون می‌شود. وجود نقش‌های جنسیتی در خانواده، این امکان را برای برخی از اعضای خانواده فراهم می‌کند تا دسترسی بیش‌تری به منابع اقتصادی داشته و قدرتمندتر باشند. بر این اساس پرسش آغازین در این پژوهش عبارت است از این که آیا دسترسی^۱ به پول در مناسبات قدرت میان همسران مؤثر است؟ دسترسی زنان به پول در خانواده چگونه است؟ مناسبات قدرت زن و مرد در خانواده، چگونه در مواجهه با پول خود را نشان داده و در قالب چه الگوهای رفتار فرهنگی-اجتماعی نمایان می‌شود؟ در واقع این پژوهش بر آن است تا با بررسی مناسبات پولی بین همسران در خانواده‌های فرودست، به تحلیلی از تأثیر آن بر معادله قدرت درون خانواده برسد.^۲

پیشینه پژوهش

پایان‌نامه «بررسی تأثیر تفاوت در کنش‌های اقتصادی زوجین بر تعارضات خانوادگی» که در سال ۱۳۹۴ توسط الهه خاکپور مروستی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات دفاع شد، به بررسی تأثیر تفاوت در کنش‌های اقتصادی زوجین بر تعارضات خانوادگی در

۱. در این پژوهش، با اتکای به پیشینه پژوهش و همچنین دیگر پژوهش‌های انجام شده توسط پژوهشگران؛ دو مفهوم دستیابی و دسترسی از اهمیت بسیاری برخوردارند. بدیهی است که در گام اول زنان برای دستیابی به پول اقدام می‌کنند؛ اما دستیابی به پول همیشه مرادف با دسترسی و اعمال تصمیم درباره پول نیست.

۲. پژوهشگران از آغاز در تلاش برآمدند تا این شرایط را در ظرف زیستی زنان مشارکت‌کننده در پژوهش درک کرده و با اتکای به تئوری‌ها و تجربیات برخاسته از زندگی زن شهری طبقه متوسط به آنان نگاه نکنند. از این‌رو پژوهش با رجوع به واقعیت آغاز شد و رفت‌وبرگشت بین تئوری و واقعیت با اتکای به مشاهدات، انجام شد. جالب آن‌که جز مواردی معدود این زنان با وجود بررسی‌ها و تلاش‌های پژوهشگران؛ به مفهوم خشونت اقتصادی و عناصر آن؛ توجه چندانی نشان ندادند. بدین ترتیب موارد خشونت مدنظر قرار گرفت اما توجه به خشونت در این پژوهش اصل نبوده و رویکردهای نظری مرتبط با آن بر پژوهش مسلط نیست. شایان توجه است که این روند نه انتخاب پژوهشگران بلکه در خلال فرآیند پژوهش و با توجه به عکس‌العمل‌های مشارکت‌کنندگان، اتخاذ شد.

شهر تهران می‌پردازد. سحر خاکپور نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «جنسیت و تصمیم‌گیری درباره هزینه کردن پول (تصمیم‌گیری‌های اقتصادی) در خانواده ایرانی» که در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار دفاع شد، به بررسی تفاوت‌های دو جنس در اتخاذ تصمیمات اقتصادی و اهمیت تقسیم قدرت اقتصادی در خانواده‌های ایرانی می‌پردازد. مقاله‌ای با عنوان «پول، جنسیت، توسعه» که توسط سهیلا علیرضانژاد و شهلا حایری در سال ۱۳۹۰ منتشر شد، در پی آن است که تأثیر فهم زنانه از پول را بر کنش‌های اقتصادی گروهی از زنان زنبوردار روستایی، شناسایی نماید. پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در خانواده با تأکید بر زنان شاغل در شهر اردبیل» در سال ۱۳۹۲ توسط آذر عبادنژاد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز ارائه شده است. در این پژوهش سعی شده است که عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر اردبیل مورد مطالعه قرار گیرد. مقاله «ساختار قدرت در خانواده و گرایش‌های سرکوبگرانه برآمده از آن برحسب نقش انرژی عاطفی و وضعیت اقتصادی زنان در شهر آبدانان» نوشته مریم مختاری، سیروس احمدی و معصومه کردی‌پور که در سال ۱۳۹۲ منتشر شد؛ برآیند پژوهشی است که باهدف تعیین نقش انرژی عاطفی و وضعیت اقتصادی زنان در ساختار قدرت در خانواده و گرایش‌های سرکوبگرانه برآمده از آن در شهر آبدانان صورت گرفته است. پایان‌نامه «بررسی توزیع قدرت زنان در خانواده و عوامل مرتبط به آن (در شمال و جنوب شهر تهران)» در سال ۱۳۸۹ توسط بی‌بی نعیمه که در دانشگاه پیام نور استان البرز ارائه شده است. همچنین باقر ساروخانی در مقاله «زن، قدرت و خانواده، پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده» که در سال ۱۳۸۴ منتشر شد، با استفاده از روش تحقیق اسنادی و فرا تحلیل به این نتیجه می‌رسد که روابط قدرت با افزایش پیچیدگی جامعه از سیطره قدرت جسمانی بیرون آمده و متغیرهای نوینی چون جایگاه فرد در مناصب اجتماعی اهمیت یافته است. پایان‌نامه دیگری در سال ۱۳۸۳ با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده» توسط علی امامی نصیر محله در دانشگاه علامه طباطبائی دفاع شده است.

در میان پژوهش‌های خارجی، مقاله «در ثروت، در فقر: پول به‌عنوان موضوعی برای تعارض زناشویی در خانه»^۱ که در سال ۲۰۰۹ توسط لارن ام. پپ و دیگران^۲ نگاشته شده است؛ پول به‌عنوان عامل ایجاد تعارض زناشویی در خانه و عامل ایجاد استرس در زندگی مشترک مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب «پول پنهان، بانکداری نامشهود، سرمایه‌گذاری خصوصی»^۳ اثر جی.جی. لونا^۴ که در سال ۲۰۰۷ بر مبنای یک پژوهش گسترده منتشر شده است، در هفت فصل و ۴ ضمیمه به بررسی پول‌هایی می‌پردازد که هیچ‌گاه به‌صورت رسمی و قانونی پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری نمی‌شوند. در کتاب پژوهش محور «پول، قدرت، احترام»^۵ که در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است، دن میلنر و نیک چیلز^۶ در سه سرفصل جداگانه به بررسی مناسبات ناشی از پول، قدرت و احترام بین زنان و مردان می‌پردازند. در مقاله «پول، قدرت و نابرابری در ازدواج»^۷ که در سال ۱۹۹۴ منتشر شد، کارولین وگلر و جان پال^۸ از یک مجموعه داده برای بررسی روابط پول، قدرت و نابرابری در ازدواج استفاده کردند. در مقاله‌ای با عنوان «معنای اجتماعی پول: پول‌های خاص»^۹ به قلم «ویویان زلیزر»^{۱۰} که در سال ۱۹۸۹ منتشر شد، به بررسی انواع پول، پول خانگی، پول‌های خاص، پول‌های امروزی، و همچنین مرزهای اصلی بین پول‌ها، پرداخته است. مقاله «پول یا مغز؟ عوامل تعیین‌کننده قدرت تصمیم‌گیری درون خانواده»^{۱۱} در سال ۲۰۱۲ توسط گرازیلا برتوچی^{۱۲}، ماریانا برونیتی^{۱۳} و کاستانزا توریسلی^{۱۴} نگاشته شده است. این مطالعه تجربی به بررسی عوامل مؤثر بر قدرت تصمیم‌گیری درون خانوار با در نظر گرفتن انتخاب‌های اقتصادی و مالی می‌پردازد.

-
1. For Richer, for Poorer: Money as a Topic of Marital Conflict in the Home
 2. Lauren M. Papp, Ph.D., E. Mark Cummings, Ph.D, Marcie C. Goeke-Morey, Ph.D.
 3. Invisible money, Low-Profile Banking, Private Investing
 4. J.J.Luna
 5. Money, Power, Respect
 6. Denene Millner and Nick Chiles
 7. Money, power and inequality within marriage
 8. Carolyn Vogler and Jan Pahl
 9. The Social Meaning of Money: "Special Monies"
 10. Viviana A. Zelizer
 11. Is it Money or Brains? The Determinants of Intra-Family Decision Power
 12. Graziella Bertocchi
 13. Marianna Brunetti
 14. Costanza Torricelli

نورا المساعد^۱ در مقاله «پول و قدرت در خانواده سعودی^۲» که در سال ۲۰۰۸ منتشر شده است، ادعا می‌کند سنت مردسالاری در خانواده سعودی در حال گذار است و مردان به تقسیم قدرت و مسئولیت با زنان، به‌ویژه با زنانی که در تأمین نیازهای مالی خانواده همکاری می‌کنند؛ تمایل دارند. باین‌حال او تأکید می‌کند که ساختار خانواده سعودی همچنان مردسالار و سلسه‌مراتبی است. مقاله «قدرت زنان در خانواده و ترجیح جنسیتی در شهر مینیا، مصر^۳» نوشته کاترین ام. یونت^۴ که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، با استفاده از تئوری‌های ساختاری به بررسی منابع مربوط به زنان و سهم آن‌ها در قدرت خانواده و ترجیحات جنسیتی در شهر مینیا مصر می‌پردازد. مقاله «تجربه زنان از قدرت ازدواج: یک پدیده غیرقابل توضیح؟^۵» که در سال ۱۹۹۱ به قلم پت اوکنور^۶ نگاشته شد، برآیند ۶۰ مصاحبه عمیق با زنان متأهل عمدتاً سفیدپوست بین ۴۰-۲۴ سال که بزرگ‌ترین فرزند آن‌ها نهایتاً ۱۵ سال داشت؛ است. این مقاله سه جنبه موقعیت قدرت در رابطه زناشویی این زنان را مورد بررسی قرار می‌دهد: اول تجربه از قدرتمندی/ بی‌قدرتی؛ دوم سطح و الگوی وابستگی عاطفی به شوهران؛ سوم سطوح مطلق و نسبی دسترسی به منابع ساختاری قدرت مانند تحصیلات، اشتغال و غیره. پژوهش‌های ذکر شده، با توجه به دو مقوله «پول» و «ساختار قدرت در خانواده» با پژوهش فعلی مرتبط هستند. تمام این پژوهش‌ها، مقوله «جنسیت» را مدنظر قرار داده‌اند. در بخش پژوهش‌های داخلی، بیش از نیمی از پژوهش‌ها از روش تحقیق کمی و بقیه از روش تحقیق ترکیبی برای انجام پژوهش بهره برده‌اند. در بخش پژوهش‌های خارجی، به‌جز یک مقاله در بقیه مقالات از روش پیمایش استفاده شده است.

-
1. Nora Almosaed
 2. Money and Power in Saudi Family
 3. Women's family power and gender preference in Minya, Egypt
 4. Kathryn M. Yount
 5. Women's experience of power within marriage: an inexplicable phenomenon?
 6. Pat O'Connor

مبانی نظری

پول علاوه بر مفهوم مهم اقتصادی، واجد معانی اجتماعی و فرهنگی است. نظریه پردازانی مانند کارل مارکس، گئورگ زیمل و ماکس وبر پول را عاملی برای تغییرات اجتماعی می‌دانستند (گیدنز ۱۳۷۸: ۵۷۳). به‌زعم مارکس پول بازنمای روابط انتزاعی در مالکیت خصوصی است. پول غایت سودمندی است، به‌محض این که مالک آن می‌شویم قدرت خرید کالا را به دست می‌آوریم. زیمل می‌گوید «همین که معاملات پولی جای صورت‌های دادوستد پایاپای را می‌گیرند، در صورت‌های کنش متقابل میان کنشگران اجتماعی دگرگونی روی می‌دهد» (کوزر ۱۳۸۹: ۲۶۸). وبر ضمن پذیرش ویژگی انتزاعی و غیرشخصی پول، معتقد است پول معنای پذیرفته‌شده تبادل است (Deflem, 2003). زلیزر با توجه به مقوله جنسیت، پول را دارای معنای اجتماعی می‌داند. او توضیح می‌دهد که چطور درآمد مردان و زنان کاملاً متفاوت است. یک دلار درآمد زن - حتی اگر مقدار آن با درآمد مرد یکی باشد - به‌اندازه پول مرد، واقعی و جدی تلقی نمی‌شود. پول زن بیشتر شبیه یک هدیه است و برای اهداف خاصی هزینه می‌شود و از آزادی کمتری برای هزینه آن به منظورهای مختلف (مخارج خانه، تفریحات) برخوردارند (Baker and Jimerson, 1992: 421; Zelizer, 2008). زلیزر معتقد است که فرهنگ خانواده متضمن برابری اعضای آن نیست و جنسیت در مصرف صندوق پول خانگی مؤثر است. پول خانگی نه‌تنها با جنسیت، بلکه با طبقه اجتماعی هم در ارتباط است. در پژوهش زلیزر زنان طبقه کارگر با به‌کارگیری اصول اقتصاد خانگی می‌توانستند مورد حسادت زنان ثروتمند قرار بگیرند. پول آماده در دست زنان کارگر به‌ندرت، با سیاست مالی خانواده تعیین می‌شد (Zelizer, 2008: 363). پول خانگی - شامل پول زن، شوهر و فرزندان - از جمله یکی از پول‌های خاص است که توسط شوهر برای زن در نظر گرفته می‌شود. پول خانگی توسط عقاید، زندگی خانوادگی، جنسیت، روابط قدرت و طبقه اجتماعی قالب می‌گیرد. مثلاً پولی که برای زن در نظر گرفته می‌شود - صرف‌نظر از مقدار آن - به‌طور سنتی برای خرید خاصی مثل لباس در نظر گرفته‌شده و جدا از پول «واقعی»^۱ است که شوهر کسب می‌کند؛ بدین ترتیب پول خانگی

به منظور مخارج زن توسط شوهر در نظر گرفته شده و باید صرف همین مخارج شود (Zelizer, 2008: 348).

از سوی دیگر مفهوم قدرت در خانواده چندان شفاف نیست اما پول به مثابه نماد شاخص سرمایه اقتصادی پیوند عمیقی با مفهوم قدرت دارد. برخی جامعه‌شناسان، قدرت در خانواده را معادل قابلیت و امکانات نسبی هریک از همسران برای تعیین شیوه‌های زندگی مشترک در نظر می‌گیرند. برخی صاحب‌نظران نیز تصمیم‌گیری^۱ را به عنوان مصداق مفهوم قدرت در خانواده به کار می‌برند؛ وقتی سؤال می‌شود چه کسی اعمال قدرت می‌کند، این امر به طور خاص متوجه تصمیم‌گیری‌ها در خانواده است. به زعم لوکس وجه دیگر قدرت به نحوه تصمیم‌گیری برای عمل برمی‌گردد. نحوه و شیوه تصمیم‌گیری در خانواده را می‌توان به شکل‌های ترغیب، تحریک، اجبار و فعال کردن تعهد افراد دید. این وجوه را می‌توان به آن نوع ضمانت‌های اجرایی دابخشی (مثبت و منفی) مربوط دانست که ممکن است فرد در تلاش برای تضمین دستیابی به هدف خود از «دیگری» از آن‌ها استفاده کند؛ ابزارهایی که در رفتار دیگران تغییر ایجاد می‌کند (لوکس، ۱۳۷۰: ۱۵۱). گیدنز معتقد است زنان غالباً در درون خانواده قدرتمندند اما ممکن است نفوذ خود را به طور غیرمستقیم اعمال کنند. در حالی که مردان می‌توانند به طور مشروع در زمینه خانوادگی مدعی باشند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۳۷).

«نظریه منابع^۲» از نظریاتی است که به بررسی مناسبات قدرت کمک می‌کند. اساس این تئوری ریشه در «نظریه مبادله» دارد. جرج هومنز در نظریه مبادله، رفتار اجتماعی را به عنوان نوعی تبادل فعالیت ملموس یا غیرملموس و کم‌وبیش پاداش‌دهنده یا غرامت‌آمیز، بین دست‌کم دو شخص در نظر می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۲۴). بر طبق این نظریه نیاز و وابستگی فرد به طرف مقابل، سبب کاهش قدرت وی می‌شود. ترس از دادن رابطه سبب می‌شود که فرد از احساس قدرت کمتری برخوردار باشد. پس وابستگی عاطفی مرد به زن می‌تواند سبب افزایش احساس قدرت در زنان باشد. ناگفته نماند که بر اساس این تئوری، وابستگی مالی زن به مرد نیز عاملی برای کاهش احساس قدرت در زن خواهد بود.

1. Decision Making
2. Resource Theory

اشاره وگلر^۱ به ایدئولوژی جنسیت در خانواده به‌ویژه مفهوم «مرد نان‌آور خانواده» و ارتباط آن با قدرت، به همین وابستگی و کاهش احساس قدرت زنان مراجع است (Vogler et.al, 2001: 121). در همین باره استفان ادگل^۲ با مطالعه کیفی روی چهل زوج، دریافت که تصمیم‌گیری‌های مالی بین زوجین برابر نیست؛ تصمیم‌گیری‌های مالی استراتژیک مانند تنظیم اولویت‌های مالی بر اساس همان الگوی مرد نان‌آور خانواده، اتخاذ شده و تصمیم‌گیری در امور بی‌اهمیت اما مکرر مانند هزینه غذا و غیره به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های سنتی خانگی زنان برای خرید، بر عهده زنان بود (Ibid). بر این اساس به نظر می‌رسد که نابرابری در دسترسی به پول و تفاوت ماهیت پول زنانه و مردانه بر تفاوت قدرت زوجین در خانواده تأثیری تعیین‌کننده برجای می‌گذارد.

از نظریه منابع در تحلیل پدیده خشونت خانوادگی نیز استفاده می‌شود. بر پایه این نظریه که ویلیام گود^۳ مطرح می‌کند، نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظامی اقتداری است و هرکس به منابع مهم خانواده مانند: شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و اطلاعات، بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وادارد و تصمیم‌گیری‌های مهم با اوست (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۱). بر اساس این ایده پژوهش‌های تجربی در ایران نشان داده‌اند که افزایش منابع قدرت، مهم‌ترین عامل برای مقابله با خشونت مردان در خانواده است (درویش پور، ۱۳۷۸: ۵۴) چرا که زنان در بسیاری از اوقات به دلیل فقدان منابع قدرت از جمله منابع مالی مجبور به تفویض اقتدار به مرد و پذیرش وضعیت اقتدارآمیز و رفتار خشونت‌آمیز مردان می‌شوند.

فمینیست‌ها نیز معتقدند که چگونگی توزیع منابع مالی در خانواده بستگی به روابط قدرت میان زن و شوهر دارد و روابط قدرت به این امر برمی‌گردد که چه کسی حق تصمیم‌گیری دارد که چگونه و کجا پول خانواده صرف شود (آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۵۸-۱۵۷). بر اساس رویکرد فمینیستی روابط دو جنس اساساً رابطه قدرت است. رابطه‌ای که در آن مرد از همسر خود سوءاستفاده فیزیکی، کلامی یا روان‌شناختی کرده و با به‌کارگیری

1. Vogler
2. Stephen Edgell
3. William Good

خشونت، قدرت و سلطه خود را تداوم می‌بخشد. بدین ترتیب خاتمه دادن به همسر آزاری مستلزم تجدید ساختار رابطه قدرت بین زن و مرد در جامعه است (شمس اسفند آباد و امامی پور، ۱۳۸۲: ۶۴).

روش تحقیق

این پژوهش برای واکاوی واقعیت درباره دو مفهوم پیچیده پول و قدرت در خانواده، رویکردی کیفی را اتخاذ کرده و با استفاده از روش مردم‌نگاری نهادی^۱ و ارزیابی مشارکتی روستایی^۲ انجام شده است. در مردم‌نگاری نهادی از ابزارهای متنوع روش‌های پژوهش علوم اجتماعی استفاده و بیشتر بر توضیح معرفت‌شناسی و روش‌شناسی فمینیستی تمرکز می‌شود. فرآیند دقیق پژوهش بناست به‌مرور از آنچه زنان و دیگر فرودستان طی پژوهش‌هایشان می‌اندوزند، تکوین یابد. به عبارتی، این روش «لزوماً جمعی و انباشتی» (دوالت، ۱۳۸۵: ۲۴۲) و به همین دلیل «باز و موقتی» (همان: ۳۵) است و الگوی روشی آن به‌طور کامل از پیش تعیین‌شده نیست و بخش‌هایی از آن در میدان پژوهش انتخاب‌شده و پیش می‌رود. مردم‌نگاری نهادی با اتکای به انواع گوناگونی از داده‌ها انجام‌شده و پژوهش اغلب اطلاعات خود را از چند منبع می‌گیرد؛ باین‌همه انجام دقیق و کامل این روش بسیار زمان‌بر است. از سوی دیگر، روش ارزیابی مشارکتی روستایی ضمن سرعت بخشیدن به کار و پوشاندن ضعف روش پیشین، با ابداع تکنیک‌های ویژه گردآوری اطلاعات، به قشرهای محروم و حاشیه‌ای از جمله زنان توجه خاص داشته و آزادی عمل بیشتری برای پژوهشگر فراهم می‌کند. در این روش، طرح مسئله زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و توجهی خاص به کالبدشکافی مسائل و مشکلات آنان و همپای آن به کلیه افراد حاشیه‌ای جامعه، صورت می‌گیرد. توجه به اقشار منزوی یکی از اصول نه‌گانه روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» است. با طرح این مسئله درمی‌یابیم که تا چه حد رفتار و نگرش در این روش مؤثر است. همچنین باید توجه داشت که فعال کردن اطلاع‌رسان‌ها به‌صورت ارادی انجام نمی‌پذیرد، بلکه مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و اصول مربوط به رفتار و نگرش در کنار هم

1. Institutional ethnography
2. Participatory rural appraisal

مشارکت را ترغیب و تشویق می‌کنند^۱. (چمبرز و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۶). شایان ذکر است که استفاده از روش ترکیبی و تکنیک‌های متعدد به تیم پژوهش اجازه داد تا با چند سویه بینی به واقعیت نزدیک‌تر شده و امکان فاصله گرفتن از تجربه‌های شخصی در آنان افزایش یابد. در این پژوهش مبانی نظری هم‌زمان با رجوع به واقعیت موردبررسی قرار گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک‌های مشاهده (مشارکتی و غیر مشارکتی در قالب ۹ مورد گزارش‌نویسی)، مصاحبه فاقد ساختار (۱۵ مورد)، بحث گروهی متمرکز (۷ مورد) و رسم یک نمودار برنامه روزانه استفاده شده است. مفاهیم ساخته‌شده از کدگذاری مصاحبه‌های فاقد ساختار و استفاده از بحث‌های گروهی متمرکز، با مشاهده و رسم نمودار بسط داده شد.

انتخاب اجتماع محلی زنان «تکیه شهدا» (منطقه ۱۰- ناحیه ۳) و «دستان سبز» (منطقه ۱۵- ناحیه ۶) با توجه به پایگاه طبقاتی، سهولت دسترسی و امکان ایجاد رابطه با این دو گروه از زنان، انجام شد. اجتماع محلی زنان «تکیه شهدا» در تکیه شهدا^۲ در منطقه ۱۰ شهرداری قرار دارد. اجتماع محلی زنان «دستان سبز» در سرای محله «والفجر» تهران در منطقه ۱۵ گرد هم می‌آیند. گروه دستان سبز یکی از مسائل زنان را اشتغال مطمئن و سازگار با وضعیت زندگی خود ارزیابی کردند و برای ایجاد یک کسب‌وکار کوچک و جمعی برای خود، تلاش کردند. آنان به پختن شیرینی خانگی به‌عنوان کسب‌وکاری که سرمایه‌گذاری اولیه بزرگ نیاز نداشت و در ضمن موجب ایجاد درآمد، متناسب با کارخانگی

۱- بحث گروهی متمرکز (FGD) با جامعه یا ذینفعان متعدد به ما اجازه می‌دهد که در مقایسه با مصاحبه‌های نیمه سازمان‌یافته یا فاقد ساختار، دامنه‌ای از علایق و دلواپسی‌ها کشف شود. این فرآیند آگاهی درباره منبع دلواپسی‌ها و تعارضات را افزایش می‌دهد و بستری برای موضوع گفتگو مهیا می‌سازد (ازکیا و دیگران: ۱۱۰). استفاده از این تکنیک برای کندوکاو درباره موضوع پیچیده و حساسی که حول محور پول، قدرت و خانواده شکل گرفته است، کافی نبود؛ ازاین‌رو از تکنیک‌های دیگری مانند مشاهده مشارکتی و غیر مشارکتی، مصاحبه فاقد ساختار و رسم نمودار برنامه روزانه به‌منظور پرورش مفاهیم به‌دست‌آمده و تعمیق تحلیل‌های کسب‌شده از میدان پژوهش، استفاده شد.

۲- این تکیه از ۵ سال پیش برای استفاده عام در اختیار زنان ساکن محله قرار گرفت. ساختمان تکیه دو سالن مجزای زنانه و مردانه دارد و در روزهای مختلف هفته مراسم مذهبی و کلاس‌های آموزشی متنوعی مانند آموزش گل‌سازی، روانشناسی، سنگ‌شناسی، بافتنی و غیره در آن برگزار می‌شود.

و مورد اعتماد خانواده بود، روی آوردند^۱. همسران زنان «تکیه شهدا» کارمندان یا بازنشستگان پست‌های رده پایین دولتی هستند درحالی‌که همسران زنان «دستان سبز» بیشتر کارگر یدی، کارگر فنی و یا بیکار هستند. میانگین سن زنان عضو اجتماع محلی «دستان سبز» (۳۲ تا ۴۷ سال) از میانگین سنی اجتماع محلی «تکیه شهدا» (۴۲ تا ۵۹ سال) پایین‌تر است. زنان «دستان سبز» همگی به انحای مختلف برای دسترسی به پول دیدنی تلاش می‌کنند؛ اما زنان اجتماع محلی «تکیه شهدا» در زمان انجام پژوهش بیشتر مشغول رسیدگی به امور منزل و فرزندان هستند و تلاش مشخصی برای کسب پول دیدنی ندارند.

یافته‌های پژوهش

اولین مواجهه زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش با پول، معمولاً با دریافت پول توجیبی در دوران کودکی اتفاق افتاد. دسترسی به پول برای فرزندان یک خانواده (در قالب پول توجیبی منظم، نامنظم یا موقعیتی) تابع سلسله‌مراتب سنی و جنسیتی است، یعنی بزرگ‌ترها و پسرها بیشتر از کوچک‌ترها و دخترها پول توجیبی می‌گیرند. خانمی ۳۹ ساله، خانه‌دار و مادر ۳ فرزند (بحث گروهی متمرکز دستان سبز) می‌گوید: «بزرگ‌ترها بیشتر می‌گرفتن خوب. خرجشون زیاد بود، پول نیاز داشتن. کوچک‌ترها با پدر و مادر می‌رفتن و می‌ومدن و پول نیاز نداشتن. تو بزرگ‌ترها هم برادرم بیشتر از خواهرم می‌گرفت. خوب خواهرم رفت و آمدی نداشت، دوستاش می‌ومدن حیاط ما می‌نشستن دور هم. ولی داداشم رفیق‌باز بود و خرج می‌کرد».

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که منابع مالی در دسترس زنان، انواع مختلفی دارد و همچنین در بین زنان خانه‌دار و زنان شاغل متفاوت است.

۱- برای حفظ هویت مشارکت‌کنندگان در پژوهش، اطلاعات دقیقی درباره دو اجتماع محلی ارائه نمی‌شود. علاوه بر این زنانی که با آنها مستقیماً مصاحبه شده است، با حروف اختصاری نام‌گذاری و مشخصات زمینه‌ای آنها در پانویس معرفی می‌شود درحالی‌که زنانی که در بحث‌های گروهی متمرکز شرکت کرده‌اند، با ذکر مشخصات زمینه‌ای در خود متن معرفی می‌شوند.

انواع پول‌های در دسترس زنان

الف. پول توجیبی و خرجی

پول توجیبی برای مخارج شخصی خود زنان از سوی پدر یا همسر پرداخت می‌شود. مبلغ پول توجیبی در زندگی زناشویی بسته به احساس نیاز زنان، صلاح دید شوهر و یا به صورت توافقی تعیین می‌شود. در اجتماعات محلی مورد بررسی در این پژوهش، در اکثر موارد دادن خرجی از الگوی منظمی پیروی نکرده؛ و در بیشتر موارد بر اساس نیازها یا درخواست زن تأمین می‌شود. پول خرجی به معنای مقدار پولی است که زنان به عنوان خرج خانه از همسران خود دریافت می‌کنند. برخی از این پول‌ها روزانه و برخی به صورت هفتگی یا ماهیانه پرداخت می‌شود. مبلغ خرجی با توجه به درآمد شوهر تعیین می‌شود و توافق در آن نقش کم‌رنگی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گرفتن پول توجیبی در اجتماعات مورد مطالعه رایج نیست و زنان هزینه‌های شخصی خود را از طریق مدیریت همان پول خرجی یا توسط پول‌های نادیدنی، و نیز تلاش برای کسب درآمد از مشاغل خانگی تأمین می‌کنند. خانم ح^۱ (تکیه شهدا) می‌گوید:

«همه خرج خونه مال خودشه. من حوصله ندارم برنج بیارم. گوشت بیارم. من یه حقوق بازنشستگی می‌گیرم از ۱۲۵۰ تومان، فقط ۳۰۰ هزار تومان دست خودمه؛ بقیه‌ش رو قسط می‌دم؛ ۳۵۰ هم بیشتر خرج دخترم می‌شه؛ چیپسی، خوراکی‌ای، چیزی براش بگیرم».

خانم میم^۲ (تکیه شهدا) می‌گوید:

«خرجی چند سالی بهم داد. شاید ۳-۴ سال. تقریباً سال ۷۰ تا ۷۵، روزی ۱۰۰۰ و ۱۵۰۰ شروع کرد. اندازه این که نون بگیرم، کره بگیرم، پنیر بگیرم، ماست بگیرم؛ چیزای جزئی صبحونه رو. بقیه رو خودش می‌گرفت بعد دید مزه می‌ده؛ من کلی برکت دارم و یه خورده می‌ده و من کلی زیادش می‌کنم، به تدریج زیاد کرد و به ۷۰۰۰ تومان رسید».

خانم عین^۱ (تکیه شهدا) تجربه متفاوتی دارد:

۱- ۵۲ ساله، بازنشسته آموزش و پرورش و دارای ۳ فرزند

۲- ۵۰ ساله، خانه‌دار و دارای دو فرزند

«روزانه پول می‌ذاره برای پرداخت قبض یا خرده ریز مٹ کره و پنیر، آگه بگم پول می‌خوام یا کارتتش رو می‌گذاره یا پولش رو می‌گذاره؛ ۱۰ تومان، ۲۰ تومان؛ به چیز ثابتی تو ماه نمی‌گیرم».

براین اساس به نظر می‌رسد که زنان عضو این دو اجتماع به طور معمول پول توجیبی دریافت نکرده اما خرجی خانه برای هزینه‌های کوچک روزمره دریافت می‌کنند که با اعمال مدیریت و تولید پول نادیدنی، نیازهای شخصی خود را نیز از همین محل تأمین می‌کنند. به دلیل اعمال مدیریت مالی زنان، ظاهراً پرداخت خرجی برای مردان هم صرفه اقتصادی در بردارد.

ب. پول دیدنی و پول نادیدنی

پول دیدنی پولی است که مستقیماً از فرآیند اشتغال ایجاد می‌شود. بسیاری از زنان اجتماعات مورد مطالعه از راه‌های مختلفی درآمد اقتصادی یعنی پول دیدنی کسب می‌کنند. بخش اعظم این زنان سال‌های زیادی به کارهای درآمدزای خانگی مانند بافتنی و درست کردن ترشی و مربا مشغول بوده یا هستند. خیاطی، تهیه غذای خانگی و اشتغال پاره‌وقت غیررسمی، مانند منشی‌گری یا مربی‌گری در سرای محله از دیگر راه‌های کسب درآمد برای این زنان است. پول نادیدنی شامل پولی است که زنان از طریق کار در عرصه خصوصی خانگی و معمولاً با حفظ پول در جیب خود یا همسر، کسب می‌کنند. بخشی از این پول برای مصارف خانگی و بخشی در موارد خاصی چون تهیه هدایایی برای فرزندان ازدواج کرده صرف می‌شود. یافته‌ها، به‌ویژه اطلاعات حاصل از رسم نمودار برنامه روزانه نشان می‌دهد که تمام زنان مصاحبه‌شونده و تمام زنان شرکت‌کننده در بحث‌های متمرکز گروهی، از راه‌های متفاوتی پول نادیدنی تولید می‌کنند. آنان وقت زیادی از ۲۴ ساعت شبانه‌روز را به فعالیت‌های منجر به تولید پول نادیدنی، اختصاص می‌دهند. خانم شین^۲ (دستان سبز) که پول دیدنی تولید می‌کرد، می‌گوید:

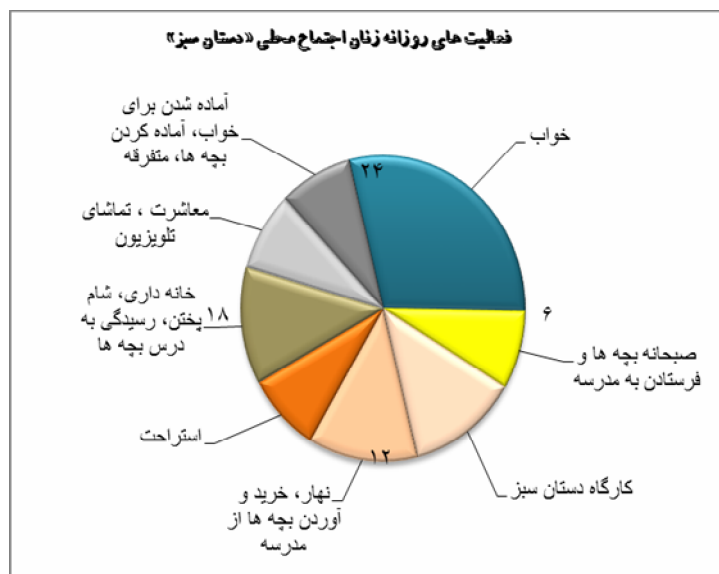
۱- ۴۶ ساله، خانه‌دار و دارای سه فرزند

۲- ۳۲ ساله، خیاط و دارای سه فرزند

«من تا موقع ازدواج دست به چرخ نزدَم... مکرومه بافی می‌کردم قبل ازدواج؛ حتی آموزش می‌دادم... شهریه‌اش ۱۰ تومان بود. برای فامیل جهیزیه درست می‌کردم ... بعد ازدواجم می‌رفتم تو مغازه‌ها نگاه می‌کردم، می‌ومدم برش می‌زدم می‌دوختم؛ حتی لباس عروس رو با تاج عروس شروع کردم؛ تاج درست می‌کردم، می‌بردم مزون‌ها برای فروش. همسر باهام می‌ومد و وقتی اون مشغول فروش تاج‌ها بود، من لباس عروسا رو زیر و رو می‌کردم. با نگاه کردن مث خودش درمی‌آوردم؛ بعدم تو مشهد مزون زدم و خیاطی به‌عنوان یک کار با درآمد ثابت شد برام؛ می‌تونم بگم دو برابر همسرم درآمد داشتم؛ کرایه خونه و هزینه مغازه و همه چی پای من بود».

نمودار ۱- نمودار فعالیت‌های روزانه زنان استان سبز نمودار ۲- نمودار فعالیت‌های روزانه زنان تکیه

شهدا



«بافتنی می‌بافم برای فامیل؛ شاید پول نندن اما کادوی آن چنانی دادن؛ یه سری خودشون سفارش دادن؛ یه سری هم عنوان کادو دادم که اونم یه جوری تلافی کردن؛ اینم یه منبع درآمد دیگه؛ خودش کمک خرجی می‌شه برای خانواده».

تولید پول نادیدنی مهمترین استراتژی زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش برای مدیریت پول در دسترس آنان است.

ج. پس‌انداز

زنان اجتماعات مورد مطالعه، تمایل زیادی به پس‌انداز دارند و از آن به‌عنوان «پشتوانه» نام می‌برند. آنان پس‌انداز را از کودکی و بر اساس آموزه و نصیحت‌های مادران خود آموخته‌اند.^۱ دلیل پس‌انداز زنان را می‌توان احساس ناامنی اقتصادی در خانواده^۲، کسب منزلت از طریق مشارکت در مسئولیت‌ها و هزینه‌کردهای خانواده، و همچنین تصمیم‌گیری مستقل دانست. پس‌انداز این زنان را می‌توان به دو نوع پویا (پس‌اندازی که با چشم‌انداز کسب درآمد بیشتر از سرمایه اولیه انجام می‌شود) و ایستا (پس‌اندازهایی که معمولاً به منظور جمع‌کردن پول برای انجام کاری در آینده نزدیک است و خاصیت پول‌زایی مجدد ندارد) تقسیم کرد.

نکته مهم اطلاع همسران این زنان از پس‌انداز است. اکثر زنان اظهار می‌کنند که همسران آن‌ها از پس‌انداز مطلع‌اند اما در چند و چون جزئیات آن قرار ندارند.^۳ خانم عین (تکیه شهدا) می‌گوید:

۱- حاصل مشاهدات نشان می‌دهد که والدین تلاش می‌کردند تا به دختران پس‌انداز کردن و به پسران پول‌سازی بیاموزند. همچنین به نظر می‌رسد دخترها تجربه کمتری در هزینه‌کرد پول در مقایسه با پس‌انداز دارند.

۲- این احساس می‌تواند به دلیل توانایی ناکافی یا عدم توانایی مرد به‌مثابه نان‌آور خانواده، یا به دلیل عدم دسترسی یا دسترسی محدود زنان به منابع مالی ایجاد شود.

۳- شایان توجه است که گروه مورد مطالعه این پژوهش برخلاف پژوهش‌های دیگری که درباره موضوع پول و خانواده صورت گرفته‌اند، زنان طبقات پایین و فرودست و عمدتاً غیرشاغلند. آنان معمولاً درآمد چندانی ندارند و همسران آنان نیز درآمد پایینی دارند. به نظر می‌رسد در این نوع از خانواده‌ها میزان ورودی پول به خانواده کاملاً مشخص است و مردان با حساسیت بالایی، پول زنان را تحت نظارت دارند (در این باره نتایج مشابه در پژوهش بر روی زنان زنبوردار رامه ملاحظه شده

«مادرم اهل پس انداز بود و به ما هم نصیحت می کرد همیشه. می گفت پول هاتون رو خرج اتینا نکنید. یه چیزی همیشه بگذارید کنار.»
 خانم الف^۱ (تکیه شهدا) می گوید:
 «همه خونوادگی پس انداز می کنیم. اینو بهمون یاد دادن. مادرم همیشه می گفت یه هزاری دارید، ۵۰۰ تومان بخورید و ۵۰۰ بذارید کنار. برای زندگی، برای آینده. پس انداز پشت آدمه. این رو مادرم همیشه می گفت. می گفت مردا به فکر این چیزا نیستن؛ زن باید جمع و جور کنه.»

جدول ۱- موارد مصرف پس انداز

پس انداز پویا	پس انداز ایستا
پول توجیبی برای خود زن	خریدهای کوچک برای فرزندان
خرید اثاث منزل	خرید جهیزیه
مخارج اساسی منزل	لوازم آرایشی و بهداشتی
خرید خانه	مراجعه به پزشک
خرید وسایل مورد نیاز فرزندان	تفریحات
روز مبادا (قرض، بیماری)	کمک کردن به خانواده خود
سرمایه گذاری برای کار فرزندان	کمک کردن به خانواده شوهر
تأمین هزینه تحصیل فرزندان	پرداختن بدهی ها
سفر زیارتی	خرید هدیه

است. لطفاً نگاه کنید به: علیرضا نژاد و حائری، ۱۳۹۰). از این رو یافته های این پژوهش در بسیاری از موارد با یافته های پژوهش های مشابه که درباره زنان شاغل طبقه متوسط صورت گرفته است، ناهمخوانی هایی را به نمایش می گذارد. برخی پژوهش ها درباره زنان شاغل همچنین نشان می دهد که در موارد بسیاری در نزد زنان شاغل نیز شوهر از وجود پس انداز مطلع است اما از میزان آن اطلاع ندارد. همچنین مواردی دیده شده است که زن و شوهر از پس انداز یکدیگر کاملاً بی اطلاع اند؛ که می توان این مورد را نوعی از پول نادیدنی در خانواده دانست (علیرضا نژاد و خاکپور مروستی، ۱۳۹۶؛ علیرضا نژاد و خاکپور، ۱۳۹۴؛ علیرضا نژاد و همکاران، ۱۳۹۳).

۱- پنجاه و دو ساله، خانه دار و دارای ۳ فرزند

شایان توجه است که زنان مسن‌تر نسبت به زنان جوان تمایل بیشتری به پس‌انداز نشان می‌دهند. زنان جوان معمولاً به دنبال رفع نیازهای خود یا فرزندان، پولشان را خرج می‌کنند یا پس‌انداز ایستا دارند، درحالی‌که زنان مسن‌تر بیشتر به فکر پس‌انداز پویا هستند و نگاه بلندمدت‌تری در مسائل مالی دارند؛ زنان جوان‌تر «مصرف‌نمایشی» بیشتری دارند. بر اساس نظریات گافمن، اجرای نقش افراد در زندگی روزمره یا همان نقش بازی کردن به‌منظور تأثیرگذاری بر دیگران یا مخاطبان صورت می‌گیرد. بسیاری از افراد خود را پنهان می‌کنند و این کار تا جایی پیش می‌رود که آن‌ها نقشی را که نمایش می‌دهند، باور می‌کنند (جلائی پور و محمدی ۱۳۹۲، ۱۵۸). خانم ب^۱ (دستان سبز) می‌گوید:

«من اون سال‌ها که ۳ سال منشی بودم، ماهی ۵۰۰ تومان می‌گرفتم. کار خاصی نداشتم... تو اون سه سال تمام پولامو فکر می‌کنی چی خریدم؟ تمام لباس‌هایی که می‌پوشم مال اون سه‌ساله... پول لباس می‌شدن برای من و فاطمه، شال، ماتو، کفش».

تعداد زیادی از زنان جوان‌تر به مصرف‌نمایشی توجه نشان داده و پس‌انداز را در این مسیر مدنظر قرار می‌دهند.

د. دارایی‌های منزلتی

زنان این اجتماعات به دلیل عدم دسترسی یا دسترسی ناچیز به پول دیدنی، به‌زعم خودشان «خرجی بگیر» هستند و از این‌رو به دلیل احساس عدم امنیت اقتصادی، به دنبال پشتوانه‌ای برای نیل به وضعیت ایمن‌تری در خانواده هستند؛ پس‌انداز، ارثیه، هدیه‌های مالی پدر و مادر، و مهریه از جمله پول‌های در دسترس این زنان است که از آن‌ها به‌عنوان «پشتوانه» نام می‌برند. همچنین برخی امکانات و دارایی‌ها در زندگی این بانوان، با خود منزلت ویژه‌ای را به همراه می‌آورند. این منزلت لزوماً از درآمدهای کوچک خانگی حاصل نمی‌شود؛ این امکانات و دارایی‌ها عبارت‌اند از: ارثیه یا هدیه از سوی پدر یا مادر، وام‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی و مهریه.

۱- خانم ۳۸ ساله، کارمند سرای محله و دارای ۱ فرزند

ارثیه یا هدیه از پدر و مادر، از قبیل خانه، زمین، فرش، پول نقد و غیره، است. این دارایی برای زنان نوعی «پشتوانه» و دلگرمی اقتصادی محسوب می‌شود و به آنها نفوذ و منزلت بیشتری در خانواده، به‌ویژه در رابطه با همسران؛ می‌بخشد. هدایا از جانب پدر و مادر در این اجتماعات محلی، کم و محدود است زیرا خانواده این زنان نیز معمولاً از پایگاه طبقاتی فرودست هستند.

خانم میم (تکیه شهدا) می‌گوید:

«پنج میلیون و صد ارثیه رسید بهم؛ فقط یک خونه دوطبقه بود که فروخته شد. یک مقدار هم سهام روغن نباتی بود و طلاهایی که مال مادرم بود؛ یازده و خورده‌ای به پسرها رسید. با برادرم شریکی تو اسلام‌شهر یه خونه گرفتیم. اولش ماهی ۵ هزار تومان کرایه می‌گرفتیم...».

خانم لام (تکیه شهدا) می‌گوید:

«از ارثیه مادرم هم رفتم مکه؛ چون مادرم مریض بود و من مراقبت می‌کردم ... به من پول داد گفت دوست داری برو مکه. از پدرم خونه و یه خورده پول رسید بهم؛ اونارو هم برای سهام و مکه و بچه‌ها خرج کردم».

تقریباً تمام این زنان ارثیه را صرف هزینه‌ها یا برنامه‌های خانواده می‌کنند. نابرابری نه‌تنها در میزان بلکه در نحوه دریافت ارثیه مطرح است. همسران، ظاهراً برای کاهش این نابرابری؛ اگرچه به‌طور مشخص در مقوله ارثیه دخالت نمی‌کنند اما به‌صورت غیرمستقیم به این مسئله و چندوچون مناسبات مالی زن با خانواده‌اش در زمینه ارثیه نظارت دارند.

خانم ح (تکیه شهدا) می‌گوید:

«بابام ارثش رو تقسیم کرده؛ یعنی پسرا رو داده ولی دخترا رو نه هنوز؛ به من البته یه زمین پرتی داده بود که به درد نمی‌خورد. منم هیچی نگفتم. چند ماه پیش که اومد خونه ما، بابام گفت چرا نمیای زمینت رو بگیری؟ من دوست نداشتم جواب بدم؛ چون مذهبی هستم و رودررو نمی‌شم با بابام. شوهرم گفت آخه زمینی که دادی به درد نمی‌خوره...».

اکثر زنان این اجتماعات در صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی مشارکت می‌کنند. مسئول صندوق معمولاً از امتیاز دریافت اولین وام برخوردار است. تنها کسی که تمایلی به

مشارکت در این صندوق‌ها ندارد، دلیل این عدم تمایل را دشواری پرداخت قسط ماهیانه می‌داند.

خانم ز^۱ (دستان سبز) می‌گوید:

«با خواهرها و دخترخاله‌هام و یکسری دیگه از بستگان قرعه‌کشی داریم.

پول می‌دم هر ماه بعد که کلتشو گرفتم یه وسیله کوچیکی برای خونه می‌خرم

یا یه چیزی برای بچه‌ها. مثلاً می‌خوان موبایل عوض کنن یا چی».

خانم ب (دستان سبز) می‌گوید:

«ما یه صندوق داریم تو آشناها؛ جاری‌ام راه انداخت و خودش وام اول رو

برداشت. بیست نفر هستیم و ماهی ۳۰ تومان می‌گذاریم. می‌خوام باهش

عینک آفتابی بخرم».

ظاهراً پول ناشی از این وام‌ها معمولاً برای مصرف نمایشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مهریه یکی دیگر از امکانات ذکر شده است که در اصل نوعی سرمایه اقتصادی است

که شاید هرگز در زندگی زناشویی ظاهر نشود اما درعین حال با ایجاد منزلت، نقش مؤثری

در زندگی زنان ایفا می‌کند. تبدیل مهریه به پول دیدنی معمولاً به آسانی رخ نمی‌دهد؛ اما

منزلت حاصل از آن تقویت‌کننده سرمایه احساسی زنان است. از سوی دیگر قراردادی بودن

مهریه، حاشیه امن اقتصادی برای زنان ایجاد می‌کند، حتی اگر هرگز از آن استفاده نکنند.

خانم ح (تکیه شهدا) می‌گوید که: عدم توافق بین پدرش و داماد به دلخوری

طولانی مدتی منجر شده است:

«بابای من با این ازدواج مخالف بود. گفت من ۵۰۰ سکه مهریه می‌خوام

برای دخترم. همسرم گفت حاج‌آقا من چیزی که مهریه می‌کنم باید بدم. من

۵۰۰ سکه نمی‌تونم به دخترتون بدم. من ۱۰۰ تا می‌تونم. من به بابام گفتم

مهریه سنگین بده، نحسه. تو می‌دونی من دوست ندارم. بابام هنوزم با شوهر

من بده... هی به هم متلک می‌گن... سر عقد وقتی عاقد پرسید چندتا سکه

پدرم گفت ۱۳۰ تا. شوهرم برای این که حرف بابام نشه گفت ۱۳۱ تا. مهریه‌م

شد ۱۳۱ سکه».

جدول ۲- انواع پول‌های در دسترس زنان

پول خرجی	پول دیدنی	پس‌انداز
پول توجیبی	پول نادیدنی	صندوق قرض‌الحسنه خانگی
ارثیه پدر/مادر	هدیه پدر و مادر	مهریه

هدیه به‌مثابه سرمایه احساسی

هدیه دادن در زندگی زنان بسیار مهم است. خریدن هدیه برای اطرافیان علاوه بر حس شادی، حس تأیید و دیده شدن را برای آنان به همراه دارد که از جنس قدرت است. این هدایا، کوچک یا بزرگ، موجب احساس دیده شدن خانم‌ها توسط اطرافیان و پذیرش آن‌ها به‌عنوان فردی که قدرت این کار را دارد، می‌شود (خاکپور، ۱۳۹۲: ۸۷). اهمیت هدیه زمانی پررنگ می‌شود که به رابطه آن با سرمایه احساسی زنان توجه کنیم. فقدان یا کمبود دسترسی زنان به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی سبب پررنگ شدن نقش سرمایه احساسی در زندگی آن‌ها می‌شود. دیان رایبی^۱ در بحث استراتژی‌های خانواده و تحصیلات، به مفهوم سرمایه احساسی اشاره می‌کند. او سرمایه احساسی را در ابتدا به‌مثابه کار جنسیتی بر کنش متقابل مادر و فرزندی در مقابل تحصیل بازمی‌شناسد. سرمایه احساسی شکلی از کار انباشته است که به‌طور نسبی به‌عنوان بدهی‌های افراد یا گروه‌ها برای مزیتی که مستقیماً در آینده از آن بهره برده می‌شود، نگریسته نمی‌شود. رایبی معتقد است سرمایه احساسی درباره سرمایه‌گذاری بر روی دیگران است تا روی خود فرد. این تنها سرمایه‌ای است که در تعامل با دیگران استفاده می‌شود و برای سود دیگران است. این سرمایه معمولاً زنانه تلقی می‌شود؛ مثلاً از مادران انتظار می‌رود که در راستای تعالی فرزند از رشد (مثلاً) تحصیلی خود چشم‌پوشند. عشق و فداکاری زنانه، نوع دیگری از سرمایه احساسی تلقی می‌شود (Adkins, & Skeggs, 2004: 22-25). هدیه دادن یکی از راه‌های تقویت سرمایه احساسی است که زنان این اجتماعات مرتباً از آن استفاده می‌کنند. خانم دال^۲ (تکیه شهدا) می‌گوید:

1. Dean Reay

۲- چهل‌وشش‌ساله، خانه‌دار و دارای ۲ فرزند

«کادو دادن تو خونه ما خیلی قویه... سالگرد ازدواج به جا، تولد همسر و بچه‌هام تا حالا یادم نرفته. روز دانشجو... به‌عناوین مختلف کادو می‌دیم. با یه تیر دو نشون زدنه. هم نیازشون رفع می‌شه و هم محبت زیاد می‌شه...»
یافته‌ها نشان می‌دهد که هدایایی که خود زنان تهیه می‌کنند، از پس‌اندازهای ایستا و یا پول‌های نادیدنی تهیه می‌شود. این هدایا معمولاً برای همسر، فرزندان، یا خانواده خود زنان است.

خانم میم (تکیه شهدا) می‌گوید:

«از همه چیز می‌زدم و پس‌انداز می‌کردم ... برای خودش کادویی می‌خریدم. بهترین چیزارو می‌خریدم براش ... از یه مدتی به بعد فقط برای بچه‌ها هدیه می‌خریدم.»

خانم دال (تکیه شهدا) می‌گوید:

«من همیشه هدیه می‌دم به همسر و بچه‌هام. نگاه می‌کنم ببینم چی نیاز دارن، چقدر قیمتش می‌شه، همون رو پولش رو کارت هدیه می‌گیرم از بانک ... یه چیز شکیل و قشنگی باشه.»

خانم نون^۱ (دستان سبز) می‌گوید:

«... هر وقت چیزی لازم باشه برای هم می‌خریم. گاهی می‌بینم کفشی، لباسی نیاز داره خودم براش می‌گیرم.»

اما هزینه‌کرد برای هدایای بزرگ‌تر که در موقعیت‌هایی مثل عروسی‌ها، زایمان، تولد‌های فامیلی و مناسبت‌هایی از این دست، داده می‌شود؛ به عهده شوهر است. میزان هدیه معمولاً با توافق زن و شوهر صورت می‌گیرد؛ در این توافق معمولاً هدیه‌هایی که دیگران می‌دهند، معیار قرار می‌گیرد.

خانم صاد (تکیه شهدا) می‌گوید:

«برای هدیه، نگاه به اطرافیان می‌کنیم. هرچقدر اونا دادن ما هم می‌دیم. خانواده خودم بیشتر می‌دیم. خانواده شوهرم نگاه به اطرافیان می‌کنیم. از خواهرام و از جاریام می‌پرسم. رقابت همه جا هست.»

۱. چهل‌وهفت‌ساله، خانه‌دار و دارای ۳ فرزند.

خانم عین (تکیه شهدا) اظهار می‌کند:

«برای هدیه اکثر پول می‌بریم. قدیما کادو می‌دادن به درد نمی‌خورد. چیز خوب که کسی نمی‌خره ببره... برای زایمان، خونه، عروسی بیشتر پول می‌برن. ما بیشتر با خواهر برادرا هماهنگ می‌کنیم. اونا می‌گن ما این قدر می‌بریم، ما هم همون قدر می‌بریم. سمت خونه پدرشوهرم با جاری‌ها هماهنگ می‌کنیم».

مدیریت هدیه در زندگی زنان از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا علاوه بر سرمایه احساسی، برای آنان ایجاد منزلت کرده و منبع پول نادیدنی است.

ابهام در هویت یابی به‌عنوان زن شاغل

پیش‌ازاین ذکر شد که زنان مشارکت‌کننده پول دیدنی تولید می‌کنند اما با وجود داشتن تجربه‌های بسیار در این باره، خود را شاغل نمی‌دانند؛ این ابهام در هویت‌یابی به‌عنوان زن شاغل، می‌تواند به دو دلیل باشد. (۱) اکثر این زنان به مشاغل خانگی اشتغال دارند. مشاغل خانگی مربوط به شیوه تولید مانوفاکتور^۱ (تولید کارگاهی) است که متعلق به دوران پیش‌سرمایه‌داری است و در تولید مسلط امروز که مبتنی بر سرمایه‌داری است، حاشیه‌ای محسوب می‌شود. به‌عبارت‌دیگر این شیوه‌ها هنوز در دوران کنونی وجود دارند اما نقش بارزی در تولید ارزش (اعم از مبادله‌ای و مصرفی) نداشته و از این رو در چارچوب رسمی اشتغال جایی ندارند. به نظر می‌رسد تعریف‌های اقتصاد مسلط در روند هویت‌یابی آنان به‌مثابه زنان شاغل، اختلال ایجاد می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر کار بیرون از خانه که درآمد معینی دارد و بر اساس قانون کار مزایایی مانند مرخصی، بیمه و حق عائله‌مندی به آن تعلق می‌گیرد، شغل محسوب می‌شود (۲) برای این زنان معمولاً مشاغل مردانه، معیار اشتغال است. این زنان با موانع مختلفی برای اشتغال رسمی روبرو بوده‌اند که مسائل خانوادگی، طبقاتی، مخالفت و تعصب همسر، و فشار نقش مادری/ همسری در زمره این موانع است.

1. moanufactur

عاملیت اقتصادی زنان

با وجود تغییرات بسیار در نقش‌های خانوادگی زنان، «نان‌آوری» همچنان نقشی مردانه تلقی می‌شود؛ اما این امر بدین معنا نیست که زنان فاقد عاملیت اقتصادی هستند. عاملیت اقتصادی زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش را می‌توان در دو رفتار مهم یعنی کسب پول نادیدنی و مدیریت پول مشاهده کرد:

- کسب پول نادیدنی: پول نادیدنی یکی از مهم‌ترین پول‌هایی است که این زنان کسب می‌کنند. این پول علاوه بر جنبه اقتصادی دارای ابعاد ارزشی است. مشاهده فعالیت‌های گروهی و همچنین همراهی این زنان در خریدهای مختلف، موجب درک اهمیت فرآیند تولید پول نادیدنی در میان این زنان و خانواده آنان بود. میزان پول نادیدنی که یک زن تولید می‌کند، نشانه توانمندی و قدرت مدیریت او است.

خانم نون (دستان سبز) می‌گوید:

«تو همه اطرافیان، من از همه قوی‌ترم. شب تا ۲-۳ نصفه‌شب بیدارم. دوخت و دوز دارم و کارای ترشی رو می‌کنم. صبح تا شب سرپام و کارای خونه و بچه‌ها رو می‌کنم. هیچی از بیرون نمی‌خرم... هر خوراکی که بگی خودم درست می‌کنم برای خونه زندگیم...».

گرچه زنان دستان سبز نسبت به زنان تکیه شهدا پول نادیدنی کمتری تولید می‌کنند یا تمایل کمتری به این کار نشان می‌دهند، اما مشاهدات و نیز نتایج رسم نمودار برنامه روزانه نشان می‌دهد که این پول برای آن‌ها کماکان مهم است اما اهمیت آن به اندازه‌ای نیست که مانند زنان تکیه شهدا برای کسب پول نادیدنی وقت زیادی صرف کنند. تمایل به پیروی از الگوی زندگی زنان طبقه متوسط شهری بر نحوه رفتار زنان جوان‌تر در فاصله گرفتن از تولید پول نادیدنی؛ می‌تواند به‌عنوان یکی از دلایل این رفتار در زنان دستان سبز مدنظر قرار گیرد.

خانم ب (دستان سبز) در توضیحی در زمان رسم نمودار برنامه روزانه؛ می‌گوید:

«من هیچی فریز نمی‌کنم... هرچی فصلش باشه همون رو می‌گیرم. حوصله این کارا رو ندارم اصن. چیزی هم لازم باشه آدم از بیرون می‌خره».

تولید پول دیدنی و یا تمایل به تولید پول دیدنی، از توجه به تولید پول نادیدنی می‌کاهد و با کاهش سن زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش از توجه به تولید پول نادیدنی در خانواده کاسته می‌شود.

- مدیریت پول: مدیریت پول به معنی هزینه‌کرد خرجی خانه به نحوی است که تا آخر ماه برسد. در کنار آن سیاست‌گذاری پول، به تصمیم‌گیری‌های کلان مربوط است؛ یعنی کدام پول و چقدر، صرف چه مواردی شود (خاکپور مروستی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). مدیریت پول وظیفه‌ای است که انجام هر چه بهتر آن، نشان از توانمندی زن دارد. در این اجتماعات، تولید پول و سیاست‌گذاری برای هزینه‌کرد آن، یک وظیفه مردانه است. این الگو بعضاً به‌عنوان یک آموزه جنسیتی از خانواده، به این زنان منتقل شده است؛ اما گاه ضعف یا ناتوانی مرد در ایفای تمام یا بخشی از نقش مسلط نان‌آوری و سیاست‌گذاری پول، به دلایلی از قبیل اعتیاد و بیکاری، با وجود موانع دیگر مانند عدم تحصیل زن یا تعصب مرد، موجب افزایش سطح عاملیت اقتصادی زن می‌شود.

خانم شین (دستان سبز) می‌گوید:

«مامانم هیچ‌وقت دنبال این نبود که درآمد داشته باشه ولی به جاش

مدیریت فوق‌العاده‌ای داره. توی فامیل زبونزده مدیریتش... برای درآمد خونه

همیشه برنامه‌ریزی داره. خرج کردنش به جا، پس‌اندازش به جا...».

به‌جز دو تن از مصاحبه‌شوندگان بقیه اذعان می‌کنند که سیاست‌گذاری در هزینه‌کرد

پول به عهده شوهران است.

خانم عین (تکیه شهدا) می‌گوید:

«۲۷ سال پیش اولین قالی رو بافتم. شوهرم پولش رو برداشت. تازه از

سربازی اومده بود تراکتور خریده بود، بدهی داشت. یه قالی فروختم یه خط

تلفن خریدم. یکی دیگه فروختم، رفتیم آجر اینا خالی کردیم برای ساختن

خونه. پولش رو برای خونه خرج کردم همیشه.»

کاترین بیچر^۱ معتقد است که به‌ویژه میان تجار، مخارج خانواده بیشتر تحت کنترل مرد است تا زن. زن ممکن است مخارج خانه را جمع‌وجور کند اما پول جدی در دست مرد است. از طرف دیگر زن خانه‌دار طبقه کارگر، به‌رغم محدودیت‌های مالی وظیفه اداره کردن پول را داشته و بچه‌ها و شوهر، پول توجیبی را از زن خانواده می‌گرفتند که انتظار می‌رفت بتواند بامهارت این مقدار پول را خرج کند؛ پولی که بیشتر آن خرج خانه می‌شد (Zelizer, 2008: 355). از زنان این دو اجتماع نیز انتظار می‌رود که در مدیریت خرج کردن پول‌هایی که شوهرانشان تولید می‌کنند، موفق عمل کنند. در مقابل جامعه و خانواده، از این زنان انتظار ندارد که درآمد داشته باشند یا سیاست‌گذاری مالی پول را در مواردی از قبیل خرید خانه یا دریافت وام‌های سنگین برای پیشبرد یک شغل، بر عهده بگیرند. از این‌رو عاملیت اقتصادی این زنان به دو سطح یادشده محدود می‌شود و معمولاً فراتر نمی‌رود.

پول به‌مثابه یک مفهوم جنسیتی

پول در خانواده یک مفهوم یکدست نیست و حتی درون یک طبقه اقتصادی مشخص، جنسیت با تأثیرگذاری بر پول، کمیت و کیفیت متفاوتی تولید می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان پول زنانه یاد کرد. پول زنانه در ۴ مقوله با انواع دیگر پول متفاوت است: (۱) منبع: پول در دست زنان معمولاً از پول خرجی، پول توجیبی (پیش‌ازاین ذکر شد که زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش از آن بهره‌چندانی ندارند)، پول‌های نادیدنی یا پس‌انداز تأمین می‌شود؛ اما پول توجیبی تنها پولی است که این زنان از آن برای نیازهای شخصی خود هزینه می‌کنند. پولی که از باقی‌مانده به دست می‌آید، معمولاً صرف خانه و فرزندان می‌شود.

(۲) کمیت: زنان به‌ویژه وقتی دسترسی به پول دیدنی ندارند، به‌طور معمول سهم کوچکی از پول را دریافت می‌کنند. خانمی ۳۵ ساله و خانه‌دار (بحث گروهی متمرکز دستان سبز) می‌گوید:

«شوهرم خب همیشه پول دستشه از درآمد خودش. برای بچه‌ها هم پول

جداگونه می‌ده، چون اونام هزینه‌های خودشون رو دارن. ... آگه چیزی موند

هم یا برای خونه‌س یا برای دکتری دوایی چیزی. آگه هیچ کدوم از اینا نباشه، من می‌تونم یه چیزی برای خودم بردارم».

این نحوه هزینه کرد می‌تواند به دلیل مساوی انگاشتن زن با خانواده باشد؛ از این‌رو زن مستقل از نقش‌های مادری و همسری تعریف نمی‌شود، به همین دلیل نیازها و مطالبات مخصوص خود را ندارد، یا این مطالبات نادیده انگاشته می‌شود. بر همین مبنا میزان پول دریافتی زنان در این خانواده‌ها بر اساس کارآیی یا نیاز آنان معین نمی‌شود بلکه با توجه به باورهای متداول و مرسوم چیزی به‌عنوان یک مقدار یا میزان مناسب، معین می‌شود؛ در نتیجه زنان در مقایسه با مردان معمولاً با مقادیر کوچک‌تری از پول سروکار دارند.

۳) کاربرد: خانواده با پول مرد برپا است و اداره می‌شود. هزینه‌های اصلی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، آموزش، درمان و غیره را درآمد مرد پوشش می‌دهد؛ در مقابل پول زنان کارهای کوچک می‌کند و معمولاً به‌عنوان کمک درجایی صرف می‌شود که پول مردان برای تأمین آن کافی نیست؛ مواردی از قبیل چیزهای پایه‌ای‌تر و مهم‌تر، یا مواردی که مرد تمایلی به تأمین هزینه‌های آن نداشته و آن را ضروری نمی‌داند.

خانم (تکیه شهدا) می‌گوید:

«ده هزار تومان حق جلسه می‌گیرم. همین‌ها رو جمع می‌کنم شال می‌خرم یا عطر می‌خرم... یا چند وقت پیش چند بار جمع کردم بعد دادم عینک خریدم برای دخترم. یا براش سرم مو یا فوم صورت می‌گیرم. خب نمی‌تونه برای بهداشت و مراقبت از پوست من هزینه کنه».

۴) قدرت: کمیت و کاربرد ویژه پول زنانه، بر قدرت آن مؤثر است. کم بودن پول زنانه و کاربردهای فرعی آن در مقایسه با پول مردانه، از قدرت آن می‌کاهد و حوزه تأثیرگذاری آن را کاهش می‌دهد.

۱- کاترین حکیم (Hakim, 2010) به سرمایه جنسی زنان اشاره می‌کند. زنان دارای سرمایه جنسی بالاتر معمولاً می‌توانند در سلسله‌مراتب اجتماعی بالا بروند اما این زنان از طبقات فرودست بوده و همسران آنان در موقعیت هزینه کردن برای حفظ یا ارتقای سرمایه جنسی زنان نیستند از این‌رو زنان خود در این‌باره اقدام می‌کنند. به نظر می‌رسد هزینه‌های محدود زنان در این زمینه بیش از تلاش برای ارتقای سرمایه جنسی، حکایت از مصرف‌نمایی دارد.

قدرت به مثابه یک مؤلفه جنسیتی

مشاهده حالت‌ها و زبان بدن مصاحبه‌شوندگان در حین مصاحبه و بحث‌های گروهی متمرکز نشان می‌دهد که آن‌ها در تعریف مفهوم قدرت زنانه دچار ابهام هستند. در طول مصاحبه زمانی که سؤال «به نظر شما زن قدرتمند در خانواده چگونه زنی است؟» مطرح می‌شد، تقریباً تمام مصاحبه‌شوندگان پس از مکث طولانی، از آواهای مختلفی مثل «مممم» یا واژه «چیز» استفاده می‌کردند که بیانگر نوعی سردرگمی برای پاسخ است. در بحث گروهی متمرکز با طرح پرسش ذکرشده، سکوت جمع را فراگرفت، زنان به هم نگاه کرده و لبخند زدند؛ اما کسی پاسخ نداد. گره این مسئله زمانی باز شد که از آن‌ها خواسته شد یک زن قدرتمند را که در اطراف خود و از نزدیک می‌شناسند، نام ببرند و خصوصیات او را ذکر کنند.

این زنان به تفاوت قدرت زن و مرد معتقدند. خانم نون (دستان سبزی) می‌گوید:

«مردا مدل قدرتشون با زنا فرق داره. مردی گفتن، زنی گفتن. مرد آگه قدرت نداشته باشه که مرد نیست. زندگی نمی‌تونه بکنه. زنه برای خودش می‌ره، مرده برای خودش». خانم لام (تکیه شهدا) عقیده دارد: «قدرت زن و مرد باهم فرق داره... مردا یه خرده زورگو هستن اما زن‌ها می‌تونن مرد رو نرم کنن. مردا در مورد زن ضعیفن؛ مونده چطوری با مرد تا کرد. هر مردی یه قلقی داره. بری تو زندگی می‌فهمی نقطه ضعفشون چیه!؟».

اگر چه این زنان هرگز به طور مستقیم به اشاره به سرمایه جنسی خود نکردند اما ممکن است این اظهارات درباره کنترل قدرت مرد به استفاده او از سرمایه جنسی بازگردد. اما در بررسی این ایده نظرات برخی دیگر از زنان اندیشه استفاده از سرمایه جنسی را به چالش می‌کشد. خانم دال (تکیه شهدا) می‌گوید:

«بدون پول و پس‌انداز نمی‌شه زندگی کرد اما قدرت زن توی نظم‌شه؛ توی مدیریته؛ برنامه‌ریزی داشته باشه. مردها که این چیزها رو ندارن. پول باید باشه، بی پول نمی‌شه. اما آگه پول باشه و مدیریت و نظم نباشه، همه‌چیز به هم می‌ریزه این دو تا هم دست زنه».

اظهارات این بانوان نشان می‌دهد که تفکیک جنسیتی مشخصی برای قدرت در خانواده قائل هستند. این مرزبندی جنسیتی در مقوله قدرت در خانواده، نشان می‌دهد که قدرت نیز مانند پول در خانواده یک مفهوم یکدست و واحد نیست و حتی درون یک طبقه اقتصادی مشخص، جنسیت با تأثیرگذاری بر قدرت، کیفیت متفاوتی تولید می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان قدرت زنانه در مقابل قدرت مردانه یاد کرد. تعریف خانم ژ^۱ (تکیه شهدا) را می‌توان به‌مثابه نوعی جمع‌بندی مشخص با ماهیتی اقتصادی درباره تفکیک جنسیتی قدرت در خانواده قلمداد کرد: «... مرد قوی یعنی ۱ نفر کار کنه ۵-۴ نفر بخورن. زنی هم که با اون حقوق بتونه زندگی کنه، قویه». ماهیت منفعل و سازگارانه قدرت زنانه در این تعریف ارائه می‌شود.

نکته این است که در مواردی خانم‌ها از زن‌های دارای قدرت مردانه با عنوان زن قدرتمند نام می‌برند اما چنین الگوی قدرتی را نپذیرفته و آن را موردنقد قرار می‌دهند. خانم ح (تکیه شهدا) می‌گوید:

«مادر شوهرم زن قدرتمندیه خیلی. هیچکی جرئت نداره بهش بگه چقدر پول می‌گیری. طلاهای [مادر شوهرم /پیش دخترش بود] این دختر ۲ ماه پیش از تاریخ مصاحبه در تصادف فوت شد /دامادش آورد بهش داد. دامادش گفت پسراش رو بگم بیان که پیش اونا طلاهارو بدم. فحشی بود که مادر شوهرم نثارش کرد. مگه من بچه‌م؟ مگه صغیرم؟ پسرام چکاره‌ن؟ مگه روزی که این طلاهارو دادم دست دختر، پسرام بودن؟ دوست نداره کسی از کارش سر دربیاره. می‌خواد حرف، حرف خودش باشه و تصمیم آخر رو بگیره. من اینطوری نیستم. این اسمش زن نیست.»

خانم عین (تکیه شهدا) می‌گوید:

«من جاری‌م رو می‌تونم مثال بزنم. حرف، حرف خودش. قوی‌تره. پس‌انداز می‌کنه اما من دوست ندارم راهی که اینا می‌رن؛ خسیس بازی و این‌ها. هستن زنایی که به حساب خودشون زرنگن، زندگی رو خوب

می‌چرخونم، پس‌انداز دارن؛ ولی از یه لحاظ نگاه می‌کنی من از زندگیشون خوشم نمیاد. این که راحت باشن، خوب بخورن، دریغ نکنن از بچه‌هاشون، از زندگیشون کم نذارن. این طوری نیستن. تصمیم‌گیری رو حتمن خودشون می‌کنن. این که پس‌انداز دارن باعث می‌شه حرف خودشون رو بزنن اما از بچه‌ها دریغ می‌شه».

بدین ترتیب اساساً زن خود را با مرد مقایسه نمی‌کند و در نتیجه قدرت زنانه را متفاوت از مردان می‌پندارند و به دلیل جزمیت ساخت‌های جنسیتی، مشابهت یک جنس با الگوی مقابل، امری مرسوم و جاافتاده نیست و با واکنش روبرو می‌شود. این زنان، زن قدرتمند را با صفاتی مثل مدیریت، قناعت، مهربانی، مادری، صداقت، ایمان، گذشت، سازگاری، نظم و صبوری؛ توصیف می‌کنند که حکایت از غلبه سرمایه احساسی دارد. خانم میم (تکیه شهدا) می‌گوید:

«مادرم ... نمونه زن قوی بود. مادری که ۹ تا بچه رو پروبال بده و به سر و سامون بده با حقوق بازنشستگی. زن قدرتمند یعنی صبور، کار راه‌انداز، محبت‌کنه، انرژی بده از همه قدرت‌ها بالاتره».

خانم پ^۱ (تکیه شهدا) می‌گوید:

«مردا به‌ظاهر قوی‌ترن. تو هر خونه‌ای قدرت زن بیشتره. البته زنی که دانا باشه و بخواد زندگی کنه؛ نه زنی که فقط برای خودش بخواد. زنی که به فکر کم و زیاد نباشه و آگه نداشته باشه فشار به شوهرش نیاره؛ گذشت داشته باشه؛ بساز باشه».

خانم ژ (تکیه شهدا) که همسرش مبتلا به بیماری روانی است، می‌گوید:

«یه زن قوی مٹ منه. هیچکی نمی‌تونه مٹ من تحمل کنه. همیشه دوست داشتم شوهرم یه جانباز بود که حداقل پیش خدا یه اجر و منزلتی داشتم؛ بعد می‌گم فرقی نمی‌کنه که. اینم مٹ همونه. کسی نمی‌بینه اما خدا که می‌بینه. فقط یه زن قوی می‌تونه با چنین وضعی بسازه».

می‌توان به روشنی دید که قدرت زنانه در کیفیت با مفهوم کلیشه‌ای از قدرت تفاوت دارد. ویژگی‌های قدرت زنانه به این شرح است:

- قدرت زنانه را می‌توان نزدیک‌تر به «نفوذ» دانست. باید توجه داشت که به تعبیر بیرشات نفوذ متقاعدکننده و قدرت مجبورکننده است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۱۷۹). نفوذ دربردارنده قدرت نیست، هرچند هیچ قدرتی بدون نفوذ نیست. نفوذ، ممکن است عقیده دوستی را عوض کند ولی قدرت، دوست و دشمن را به یکسان تحت فشار قرار می‌دهد و می‌تواند بدون اعمال نفوذ، اعمال شود. نفوذ با اندیشه، آموزه یا عقیده پیوستگی دارد و کانون آن در فضایی آرمانی قرار دارد اما قدرت به یک شخص، گروه یا انجمن پیوسته است و کانون آن در فضای جامعه‌شناختی است (لوکس، ۱۳۷۰: ۴۲۶). آنچه این زنان از آن به‌عنوان قدرت مردانه نام می‌برند، به مفهوم «سلطه» نزدیک‌تر است. آبوت و والاس قدرتی که یک فرد یا گروه بر فرد یا گروهی دیگر اعمال می‌کند را، سلطه می‌نامند. این اعمال قدرت صرفاً اقتصادی، فنی یا نظامی نیست بلکه جنبه عاطفی، فرهنگی و روانی دارد (آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۳۱۹). این تفاوت را می‌توان به شیوه دیگری نیز بیان نمود. پژوهشگران معمولاً اعمال قدرت در خانواده را در چهار وجه منابع اطلاعاتی، هنجاری، زور و پاداش دیده‌اند. با ادغام این وجوه، می‌توان گفت که مبنای اعمال قدرت در خانواده بر اساس مجاب‌سازی یا مجبورسازی است. در شیوه مجاب‌سازی، مکانیسم‌های عمده کاربرد منبع اطلاعات و استدلال برای یکدیگر برجسته بوده و در شیوه مجبورسازی، مکانیسم‌های عمده اعمال زور و مجبورکردن، برجسته است (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵). بر این اساس، قدرت زنانه از شیوه مجاب‌سازی و قدرت مردانه از شیوه مجبورسازی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. بدین گونه زنان با استفاده از ویژگی‌هایی مانند صداقت، صبر، گذشت، ایمان، سازگاری، مدیریت، مهربانی، صبوری، مادری و عواطف انسانی به‌عنوان یک منبع قدرت استفاده کرده و با تکیه بر آن احساس قدرت می‌کنند؛ زیرا می‌توانند به این شیوه بر شوهر و فرزندان، نفوذ داشته باشند. این زنان قدرت مردانه همسران خود را به رسمیت می‌شناسند اما خود را فاقد قدرت نمی‌دانند بلکه برای قدرت خود تعاریف و

دسترسی به پول و مناسبات قدرت در روابط ... ۱۹۷

مؤلفه‌های دیگری قائل‌اند که با نسخه مردانه قدرت متفاوت است. به نظر آنان این الگو درست همان چیزی است که باید باشد.

خانم دال (تکیه شهدا) می‌گوید:

«من همیشه فکر می‌کنم چرا زمان قدیم زندگی‌ها این قدر خوب و محکم بود؟ چون مرد جایگاه خودش رو حفظ کرده بود؛ نقش خودش رو ایفا می‌کرد؛ این طوری همه چیز قاطی نشده بود.»

این الگو میان تمام زنان مورد مطالعه در دو اجتماع محلی کمابیش به یکسان دیده می‌شود.

- اغلب این بانوان قدرت را در همراهی و همنوایی با وضعیت و خواسته‌های همسرانشان تعریف می‌کنند.

خانم عین (تکیه شهدا) می‌گوید:

«زنی قویه که بتونه زندگیشو اداره کنه، با کم و زیاد شوهرش بسازه، بچه‌هاش رو تربیت کنه، بچه‌هاش تو راه خلاف نرن، با شوهرش هماهنگ باشه، پافشاری نکنه، چشم و هم‌چشمی نکنه؛ شوهره رو اذیت نکنه بهش فشار بیاره بره تو راه خلاف و از خونه زندگی و بچه سیر بشه؛ به این می‌گن یه زن قوی که کنار شوهرشه. زن باید زندگی رو بتونه با درآمد شوهرش اداره کنه و بچه‌هاش رو سر و سامون بده.»

خانم نون (دستان سبز) می‌گوید:

«با زنه که مرد رو به‌جایی برسونه. یه زن باید قوی باشه کنار مردش باشه تا مرد کم نیاره و بتونه پس‌انداز کنه. زن باید کنار شوهرش باشه و هم‌فکر شوهرش باشه تا آینده بچه‌ها تأمین بشه.»

بر این اساس می‌توان گفت قدرت زنانه، قدرتی منفعل است که در همنوایی و همراهی با قدرت مردانه تعریف می‌شود. یعنی زنان بخشی از قدرت خود در خانه را از پیروی کردن از مناسبات قدرت مردانه کسب می‌کنند. این در حالی است که به‌زعم همین زنان، مرد توانایی و امکان اخذ تصمیم به‌طور مستقل را دارد و می‌تواند بنا بر صلاح‌دید، درباره مسائل عمده زندگی تصمیم‌نهایی را اتخاذ کند.

- توان و امکان «تصمیم‌گیری» را می‌توان به‌مثابه تبلور عینی قدرت در خانواده قلمداد کرد. یعنی کسی که می‌تواند تصمیم بگیرد، دارای قدرت نیز هست؛ یا کسی که دارای قدرت است، می‌تواند تصمیم بگیرد. بنابراین بررسی مناسبات تصمیم‌گیری در زندگی مشترک، می‌تواند برای تحلیل تفاوت جنسیتی قدرت در خانواده مفید باشد. سافیلوس روچیلد^۱ معتقد است که در خانواده در بین زنان و مردان دو نوع اقتدار در تصمیم‌گیری وجود دارد؛ «قدرت رهبری» و «قدرت اجرایی». فردی که قدرت رهبری در خانواده را بر عهده دارد، تصمیمات مهم و بزرگ را اتخاذ می‌کند. اما فردی که قدرت اجرایی دارد معمولاً تصمیمات بی‌اهمیت را اتخاذ می‌کند (خاکپور مروستی، ۱۳۹۴: ۲۲). از این رو حتی درجایی که تصور می‌رود زنان بر منابع مالی به‌تنهایی یا به‌طور مشترک کنترل دارند، لازم است با مردان در مورد خرید اقلام خانگی عمده از قبیل ماشین لباسشویی، یخچال و غیره مشورت کنند (آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۷۶). بر این اساس می‌توان گفت که این زنان مسئول اجرای تصمیمات بوده و دارای قدرت اجرایی هستند؛ درحالی‌که شوهران تصمیم‌گیرنده و دارای قدرت رهبری هستند.

منابع قدرت زنانه

منابع قدرت زنانه در این اجتماعات را می‌توان به این صورت تقسیم‌بندی کرد:

- سرمایه احساسی: این‌طور به نظر می‌رسد که زنان امکان اعمال قدرت به شیوه مستقیم را در اختیار نداشته و جامعه پذیرای آن نیست؛ از این رو آنان از شیوه‌های غیرمستقیم استفاده می‌کنند. زنان تلاش می‌کنند در نظر همسر زیبا و مهربان باشند و یا او را به لحاظ عاطفی تحت فشار قرار دهند. آنان از عواطف انسانی استفاده کرده و با تکیه بر آن اعمال قدرت می‌کنند. به نظر می‌رسد مطابق با عقیده الین اسمیت^۲، زن‌ها از پشتوانه‌های شخصی (دوستی، مهربانی یا توافق) در تبادلات اجتماعی برخوردارند و بیشتر حامی عاطفی برای دیگران هستند. این در حالی است که مردها نسبت به زنان پشتوانه‌های واقعی (پول، دانش یا قدرت) بیشتری در دسترس دارند (مینوی فر، ۱۳۸۹). همین تفاوت جنسیتی در

1. Safilios Rothschild
2. Eline Smith

برخورداری از پشتوانه‌های قدرت، می‌تواند گواهی بر اهمیت سرمایه احساسی به‌عنوان منبع قدرت برای زنان باشد.

- **پول نادیدنی:** تولید پول نادیدنی (از طریق راهبردهای مختلف و در رأس آن قناعت کردن) بی‌شک یکی از مهم‌ترین منابع قدرت این زنان است زیرا زنان از این طریق بر مناسبات قدرت در خانواده تأثیر می‌گذارند. خانم ژ (تکیه شهدا) می‌گوید:

«از هیچی هیچی برای شوهرم زندگی ساختم. شب عروسی یه پیژامه نداشت عوض کنه؛ من از خونه بابام آوردم گفتم بیوش؛ خونه‌دارش کردم. همه چی رو من با قناعت کاری براش جور کردم».

مشاهده می‌شود که قناعت یکی از مهم‌ترین راهبردهای تولید پول نادیدنی است و این تنها تولید پول دیدنی نیست که بر مناسبات قدرت بر خانواده مؤثر واقع می‌شود. زنان در اجتماعات مورد مطالعه با قطع تولید پول نادیدنی به‌صورت عمدی، سعی در تنظیم مناسبات قدرت دارند.

خانم ژ (تکیه شهدا) می‌گوید:

«دیشب شام درست نکردم. چقدر مگه حقوق داره؟ سه نفر رفتن بیرون. حرفمون شده بود. دعوا و سروصدا شده بود. مجبور شدن برن بیرون غذا بخورن. چقدر می‌گیرن مگه؟ نهایتاً ۱ تومان. می‌تونن جمع‌وجور کنن؟ یکی دو دفعه غذا نپزم چی می‌خوان بشن اینا؟ بلدم نیستن یه نیمرو درست کنن».

به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت زنان گاه شیوه‌های مرسوم از قبیل، تهدید به ترک خانواده، عدم انجام کار خانگی و شکوه کردن را برای اعمال قدرت خود انتخاب می‌کنند تا بدین‌وسیله بتوانند بر همسر خود نفوذ داشته باشند (مینوی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۳۵). توقف پول نادیدنی در کوتاه مدت، از دیگر اقداماتی است که آنان در این باره انجام می‌دهند.

- **همنوایی با شوهر:** گیدنز معتقد است زنان غالباً در درون خانواده قدرتمند هستند اما ممکن است نفوذ خود را به‌طور غیرمستقیم اعمال کنند؛ درحالی‌که مردان می‌توانند به‌طور مشروع در زمینه خانوادگی مدعی باشند. زنان اغلب قدرت احتمالی خود را به دلیل احساس نامشروع بودن، پنهان می‌کنند. زن ممکن است با نق زدن شوهرش را وادار به انجام دادن خواسته‌هایش کند، یا به خطر ریاست‌مآب جلوه کردن خود تن دهد و با حيله و

چاپلوسی نظر شوهرش را جلب کند (گیدنز ۱۳۸۱، ۴۳۷). قدرت زنانه قدرتی منفعل است که در هم‌نوایی و همراهی با قدرت مردانه تعریف می‌شود. از این رو تبعیت از الگوهای ساخت جنسیتی در خانواده را می‌توان یکی از منابع قدرت زنانه دانست. یعنی زنان بخشی از قدرت خود در خانه را از پیروی کردن از شوهرانشان کسب می‌کنند. خانمی ۵۴ ساله و خانه‌دار (بحث گروهی متمرکز تکیه شهدا) می‌گوید:

«زن زورش زیاد نیست. آگه با شوهر راه بیاد و حواسش باشه که اون چه وری می‌ره، زخم می‌تونه صداشو بلند کنه. اما آگه بخواد ساز خودش رو کوک کنه، هیچی رو نمی‌تونه پیش ببره. نباید تو روی مرد درومد؛ باید دل به دلش داد. اونطوری می‌تونی تو موقعیت مناسب اونوی بکنی که می‌خوای».

دسترسی به پول و قدرت زنانه

زنان در این اجتماعات محلی با مدیریت پول‌های شوهر، قدرت زنانه کسب می‌کنند. هیچ‌یک از این زنان خود را مسئول تولید پول نمی‌دانند بلکه تمام آن‌هایی که به‌نوعی در زمان انجام این پژوهش مشغول تولید پول دیدنی هستند؛ اذعان می‌کنند که اگر خانواده نیاز مالی نداشته باشد و درآمد همسر کفاف بدهد، تمایلی به کار بیرون از خانه ندارند. خانم ب (دستان سبز) می‌گوید:

«موقعیت اجتماعی داشتن رو دوست دارم. هدف اصلی‌ام ولی تمکین اتمکن [مالیه. بعضی وقت‌ها که شوهرم خسته می‌شه، می‌گه اصن نرو؛ برای چی می‌ری؟! بهش می‌گم آگه تو تمکن مالی داشتی، نمی‌کردم؛ اگر تمکن مالی داشتم، آگه اجازه می‌داد، درس می‌خوندم و حتماً فرزند دومی می‌آوردم. هیچ‌چیزی بالاتر از مادر خیلی خوب بودن تو خونه به من حس خوب نمی‌ده. الان موقعیت اجتماعی هم برام مهمه اما خب اصلش همون درآمده».

آنچه که خود این زنان و خانواده از آن‌ها انتظار دارد، مدیریت پول خانگی است. زنان زمانی که بتوانند این مدیریت را به نحو احسن انجام داده و به بیان خودشان، خرج خانه را تا آخر ماه برسانند، احساس قدرت می‌کنند؛ آنان همچنین در هنگام پس‌انداز یا دادن هدیه

دسترسی به پول و مناسبات قدرت در روابط ... ۲۰۱

نیز احساسی توأم با مظاهر قدرت زنانه دارند. می‌توان گفت که منشأ قدرت زنانه، پول زنانه است یا مدیریت پول مردانه.

مناسبات قدرت و پول در خانواده: مدارای همدلانه یا خشونت اقتصادی

تنظیم مناسبات قدرت بر مبنای دسترسی به پول، می‌تواند روابط همسران را در موقعیت‌های متفاوتی قرار دهد. این موقعیت‌ها را می‌توان در یک طیف از مدارای همدلانه به‌عنوان وضعیت بسامان تا خشونت اقتصادی^۱ علیه زنان، به‌عنوان وضعیت بحرانی؛ مورد مطالعه قرارداد.

مدارای همدلانه

اکثر زنان مورد مطالعه با توسل به قدرت زنانه، توانسته‌اند تعادل نسبی در موازنه قدرت با همسران خود برقرار کنند. این زنان از راهبردهای مختلفی برای حفظ تعادل قدرت در زندگی زناشویی بهره می‌برند؛ انتخاب راهبردها همیشه آگاهانه نیست و بسیاری از آن‌ها در قالب آموزه‌های فرهنگی-اجتماعی، عادت‌واره‌ها و یا کلیشه‌های جنسیتی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. همه راهبردها یک‌فصل مشترک اساسی دارند و آن امتناع از رویارویی و مواجهه مستقیم بین منافع زنان و مردان است؛ بدین معنا که این راهبردها منافع همسران را مکمل یکدیگر و نه مقابل یکدیگر تعریف می‌کنند. راهبردهای حفظ موازنه قدرت در مدارای همدلانه دودسته است:

- **آیین مبادله پول:** یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین اصول این آیین، اجتناب از خواستن/دادن پول به‌طور مستقیم است. زنان و مردان در اجتماعات مورد مطالعه در توافقی نانوشته، از درخواست پول و دادن مستقیم پول ابا دارند. اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که همگی آن‌ها از این که مجبور باشند برای پول خرجی یا پول توجیبی درخواست کنند؛ ناراحت می‌شوند. از این‌رو تعیین محل ثابتی برای گذاشتن پول، می‌تواند راهبردی برای مدیریت مسالمت‌آمیز این مبادله باشد.

خانمی ۵۸ ساله و خانه‌دار (بحث گروهی متمرکز تکیه شهدا) می‌گوید:

«شوهرم تو خونه خودشون مادرش خیلی زن مظلومی بود؛ همیشه کار می‌کرد و ۲۴ ساعت در خدمت شوهر و بچه‌ها بود و هیچی برای خودش نمی‌خواست. فکر نمی‌کنم حتی یه دونه ۲ زاری تو جیبش بود تو ۴۰ سال زندگی. هر چیزی می‌خواست باید میومد کلی می‌گفت تا پدرشوهرم صلاح بدونه یا ندونه! اینم شوهرم/چشمش به اونجا رفته بود؛ ولی من کم‌کم بهش یاد دادم که باید یه پولی دستم باشه؛ یه وقت خرجی برای خونه می‌شه؛ یه وقت بچه چیزی نیاز داره؛ یه وقت می‌رم بیرون پام می‌شکنه؛ نباید برای هر چیزی زنگ بزنم به اون. شوهرمم اوایل مقاومت داشت ولی بعداً قبول کرد؛ قبل‌ترها پول رو هفتگی می‌گذاشت رو میز آرایش؛ الانم می‌ریزه به کارتم؛ یکی دو روز این‌ور اون‌ور هم بشه می‌گه ... یادم نرفته‌ها. می‌ریزم. سرم شلوغ بوده».

یکی دیگر از اصول مهم و رایج آیین مبادله پول این است که زنان در صورتی که از پول‌های در دسترس خود مثل پس‌انداز، ارثیه یا هدایای والدین، صندوق قرض‌الحسنه و غیره برای کمک به زندگی هزینه کنند؛ این کمک مالی را به اصطلاح خودشان «به روی همسرشان نمی‌آورند».

خانم نشین (دستان سبز) می‌گوید:

«من حتی به مرحله طلاق هم رسیدم. وقتی اومدم تهران ... درآمدی هم نداشتیم؛ اجاره خونه ۴ ماه عقب افتاده بود. خیلی داغون بودم. دیگه خسته شده بودم؛ از بی‌پولی، از دربه‌داری، از اعتیادش، از کاراش؛ جونم به لبم رسیده بود. کار می‌کردم و خرج زندگی رو می‌دادم. همین چند وقت پیش خودش گریه کرد و می‌گفت من خیلی به شما بد کردم. خیلی اذیت کردم. ولی من هیچ‌وقت تو سرش نزدم که برای زندگی چکار کردم. خسته شدم، ازش دور شدم، از زندگی سیر شدم اما حالا که همه چی درست شده و ترک کرده، هیچ‌وقت به روش نیاوردم که من پول آوردم تو خونه یا چی. من و تو نکردم».

- سازگاری: خانمی ۴۰ ساله و خانه‌دار (بحث متمرکز گروهی دستان سبز)

دسترسی به پول و مناسبات قدرت در روابط ... ۲۰۳

«شوهرم کارش تو ارتش بود؛ منتقل شدیم دزفول؛ هنوز جا نداشتیم؛
وسایل خونه رو بردیم ریختیم خونه یکی از همکاراش... یه خونه گرفت شوهرم
بالاخره خیلی عجله‌ای... دزفول زمان جنگ موشک بارون شده بود. این خونه
وسطش یه ترک کامل داشت... زیرش لونه مار بود انگار. همه‌ش بچه مار
میومد بالا. دیگه با این بچه مارا زندگی خیلی سخت بود. بچه شیر خوره
داشتیم. خیلی می‌ترسیدم تو اون خونه؛ ولی ساختم با بالا و پایین زندگی».

شایان توجه است که این زنان حتی در وضعیت خشونت اقتصادی نیز به‌جای اقدام
به ترک زندگی مشترک (متارکه یا طلاق) از راهبرد «سازگاری» استفاده می‌کنند. آنان یا
امکان جدا شدن را ندارند و یا چون خود را مسئول پایدار بودن زندگی خانوادگی می‌دانند،
علی‌رغم مشکلات موجود در خانواده - از انواع خشونت علیه زنان و کودکان گرفته تا موارد
خفیف عدم تفاهم - به استفاده از راهبردهای موجد مدارای همدلانه مبادرت می‌ورزند.

خانم م (تکیه شهدا) می‌گوید:

«شوهرم [دادوبیداد می‌کنه، بالا می‌زنه پایین می‌زنه... می‌گه اله کردی،
بله کردی، این ۳۰ سال رو به رخ من می‌کشه جای این که من بگم بدبختم
کردی. اون اینارو می‌گه. من راحت می‌شینم گوش می‌دم بعد می‌رم چایی
می‌ارم، میوه می‌ارم، شام می‌ارم می‌گم بچه‌ها بیاین شام. انگار نه انگار این
خودشو بالا پایین کرده. آروم می‌شه می‌بینه خبری نیست، من هم از این ور
کار خودمو می‌کنم».

استفاده از این راهبرد به معنای حل کامل مسئله خشونت اقتصادی در خانواده
نیست؛ اما آسیب‌های ناشی از آن به‌زعم زنان کنترل می‌شود.

سازگاری را می‌توان توانایی ساخت‌یابی جدید بر مبنای شرایط جاری خانواده تعریف
کرد. به‌عبارت‌دیگر این بانوان قدرت زنانه را نه در به هم زدن الگوی ثابت خانواده، بلکه در
توانایی مانور دادن در درون این الگوی ثابت؛ به‌ویژه بر اساس مقتضیات جاری زمان و مکان،
تعریف می‌کنند. برای آنان راهبرد حفظ موازنه قدرت، به معنی توانایی ساخت‌یابی جدید بر
مبنای شرایط جاری خانواده است. آنان با توجه به وضعیتی که خانواده در آن قرار دارد،

راهبردی برای قدرت زنانه تعریف می‌کنند. شایان ذکر است که این راهبرد ممکن است در زمان دیگری به کار نیاید.

خشونت اقتصادی

خشونت اقتصادی نوعی سوءاستفاده مالی از شریک زندگی است که به کاهش ظرفیت قربانی برای حمایت از خود و وابسته شدن او به شریک زندگی منجر می‌شود. کنترل نحوه هزینه کرد درآمدی که زن کسب می‌کند، امتناع از دادن پول یا کمک‌هزینه و منع دسترسی زن یا فرزندان به تأمین نیازهای پایه‌ای مانند تأمین غذا و دارو؛ از مصادیق خشونت اقتصادی است که زنان در اجتماعات مورد مطالعه تجربه کرده‌اند. به جز ۳ تن از زنان مصاحبه‌شونده که تجربه مداوم از خشونت اقتصادی را در روابط با همسران خود داشتند، باقی مصاحبه‌شونده‌ها نیز به صورت مقطعی از خشونت اقتصادی یاد کردند. بیشتر این خشونت‌های مقطعی، معمولاً مربوط به ممانعت از اشتغال زنان، یا سر باز زدن از تأمین معیشت خانواده توسط مرد؛ به دلیل اعتیاد بود.

خانم ژ (تکیه شهدا) می‌گوید:

«یه بار سر مادرش با هم کنتاک می‌کردیم که سر منو گرفت زد به در آهنی. گوشم وز وز صدا کرد. دو تا بچه‌م رو داشتم. رفتیم دکتر عکس اینا گرفتیم. دکتر گفت باید عمل کنی؛ آگه عمل نکنی فلج می‌شی. پول نداد عمل کنم. هزینه‌ها زیاد بود. نمی‌تونستم جور کنم. اعصاب صورتم یواش یواش از کار افتاد. عصب چشم و دهنم و صورتم کم‌کم از کار افتاد. می‌فهمی چی می‌گم؟ این خیلی درده برای یه زن.»

در این نمونه، درهم‌تنیدگی خشونت اقتصادی و جسمی دیده می‌شود. این تجربه مؤید این نکته است که خشونت اقتصادی می‌تواند عامل خشونت‌های دیگر باشد و یا با ترکیب شدن با آن‌ها به‌ویژه خشونت روانی، شرایط حادث‌تری را برای قربانی خشونت ایجاد کند. شرایطی که بیرون آمدن از آن به دلیل محدود شدن یا سلب عاملیت اقتصادی قربانی، بسیار دشوار است.

خانم شین (دستان سبز) می‌گوید:

«تازه اومده بودیم تهران. تو پاساژ آزاد تو ولیعصر می رفتیم برای خریدای خیاطی با چند نفر آشنا شده بودم. اونجا یه آقایی پیشنهاد داد گفت لباس عروس می دوزی؟ من دنبال خیاط خوبم. بیا اینجا مشغول شو. یک هفته رفتم، خیلی هم از کارم راضی بود. ولی شوهرم نداشت برم... مسئول مزون یه زن و شوهر بودن. یه آقا هم بالا تو خیاط خونه‌ش که ما کار می کردیم باهامون بود. بعد هیچی دیگه. کل روز من باید جواب تلفن می دادم. این همش زنگ می زد. یه روزم گوشیم خاموش شده بود، من متوجه نشده بودم. کارمم اون روز خیلی زیاد بود. صبح لباس عروس رو دست می گرفتیم باید ظهر تحویل می دادیم؛ نباید می موند برای عصر؛ عصر برش لباس عروس بعدی رو باید انجام می دادیم؛ منم خب تازه رفته بودم اونجا باید خودمو نشون می دادم. راحت می تونم بگم بهترین مزون اون پاساژ بود... من اونجور جایی مشغول شده بودم، خیلی باید خودمو نشون می دادم؛ خیلی هم راضی بودن از دوخت من. اون روز جواب تلفن همسرم رو نداده بودم؛ این شد برای ما یه دعوا. اومد متروی نیروی هوایی دنبالم؛ خیلی داغ بود و منم خسته؛ ساعت ۶ صبح زده بودم بیرون و ساعت ۹ شب بود. کلی بحث کردیم. گفت دوست ندارم اونجا کار کنی. زنی که تو محیطی که مرد باشه کار کنه... بالاخره براش یه مشکلی پیش میاد؛ خیلی بهم برخورد؛ گفتم منو بکشی دیگه نمی رم سر کار. صبحش زنگ زدم گفتم مشکل پیش اومده دیگه نمی تونم بیام. حتی برای حساب و کتاب نداشت برم؛ گفت نمی خواد».

این طور به نظر می رسد که در زنان مشارکت کننده در این پژوهش افزایش زیبایی، جوانی یا به طور کلی سطحی از سرمایه جنسی^۱ (Hakim, 2010) منجر به افزایش قدرت کنش اقتصادی نشده، بلکه به مثابه عاملی محدودکننده عمل می کند. یافته‌ها نشان می دهد، زمانی که خشونت اقتصادی جز سوء رفتارهای دائمی شوهر نیست و بر اثر مسئله‌ای مقطعی مثل بیکاری یا اعتیاد اتفاق می افتد، برای زنان قابل مدیریت است؛ یعنی زنان می توانند برای برون رفت از این خشونت اقتصادی و نزدیک شدن

مناسبات، به مدارای همدلانه راحت‌تر عمل کنند. در مقابل، زمانی که خشونت اقتصادی، الگوی رفتاری ثابت مرد باشد، زن به‌دشواری امکان خروج از موضع قربانی خشونت را دارد؛ زیرا خشونت اقتصادی یکی از قدرتمندترین و نافذترین روش‌ها برای نگاه‌داشتن فرد قربانی در یک رابطه خشونت‌آمیز است. این دشواری زمانی که زن امکان تولید پول دیدنی نداشته باشد، افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

پول و قدرت در خانواده حتی درون یک طبقه مشخص اقتصادی، مفاهیمی عمیقاً جنسیتی هستند. این شاید برجسته‌ترین نکته‌ای است که در یافته‌های این پژوهش می‌توان دید. قدرت زنانه که به نفوذ نزدیک است، با مدیریت پول مردانه، تولید پول نادیدنی؛ تکیه بر سرمایه احساسی، پس‌انداز و مهم‌تر از همه هم‌نوایی با شوهر به دست می‌آید. این قدرت مجاب‌کننده، منفعل و از نوع اقتدار اجرایی بوده و در نزد این زنان، با کسب درآمد یعنی تولید پول دیدنی، رابطه چندانی ندارد. رابطه درهم‌تنیده پول زنانه و قدرت زنانه، روابط همسران را در یک طیف از وضعیت نسبتاً بسامان و مسالمت‌آمیز به‌عنوان مدارای همدلانه تا وضعیت بحرانی خشونت اقتصادی؛ قرار می‌دهد. زنان با استفاده از راهبردهای آیین‌های مبادله پول و سازگاری برآند تا رابطه را در نقطه‌ای از طیف که به مدارای همدلانه نزدیک‌تر است، حفظ کنند. این به آن معنا نیست که در این وضعیت خشونت اقتصادی رخ نمی‌دهد، بلکه شرایط قابل مدیریت است و بحرانی نمی‌شود. در مقابل در نزدیک نقطه خشونت اقتصادی، رابطه از حالت مسالمت‌آمیز خارج شده و بحرانی می‌شود. خشونت اقتصادی با ایجاد تنگنای مالی برای قربانی و سلب عاملیت اقتصادی او، منشأ بروز انواع دیگر خشونت خانوادگی از جمله جسمی و روانی نیز می‌شود.

منابع

- آبوت، پاملا، والاس، کلر. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های جنسیتی*. ترجمه: مریم خراسانی، حمید احمدی. تهران: دنیای مادر.
- استونز، راب. (۱۳۸۱). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- ازکیا، مصطفی، عادل زارع و علی ایمانی. (۱۳۸۷). *رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی*. تهران: نشر نی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی، زنان کتک‌خورده*. تهران: نشر سالی
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). *نظریه کنش*. ترجمه: مرتضی مردی‌ها، تهران: نشر نقش نگار.
- بهنام، جمشید. (۱۳۸۳). *تحولات خانواده*. ترجمه: محمدجعفر پوینده، تهران: نشر ماهی.
- جلابی پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال. (۱۳۸۸). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- چمبرز، رابرت و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۹). *تغییر رفتار و نگرش در روش ارزیابی مشارکتی*. ترجمه: منیژه مقصودی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- خاکپور، سحر. (۱۳۹۲). *جنسیت و تصمیم‌گیری درباره هزینه کردن پول*. (تصمیم‌گیری‌های اقتصادی) در خانواده، *پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- خاکپور مروستی، الهه. (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر تفاوت در کنش‌های اقتصادی زوجین بر تعارضات خانوادگی، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
- درویش پور، مهرداد. (۱۳۷۸). *چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند؟، زنان، شماره ۵۶*.
- دبووار، سیمون. (۱۳۷۹). *جنس دوم*. ترجمه: قاسم صنوعی، جلد دوم تهران: انتشارات توس.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
- زارتسکی، ایلا. (۱۳۹۰). *سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی*. ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ساروخانی، باقر؛ امیرپناهی، محمد. (۱۳۸۵). «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی» *پژوهش زنان*، دوره ۴، شماره ۳.
- شمس اسفند آباد، حس؛ امامی پور، سوزان. (۱۳۸۲). *بررسی میزان رواج همسر آزاری و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه پژوهش زنان دوره یکم*. شماره ۵.

- علیرضا نژاد، سهیلا؛ حائری، شهلا. (۱۳۹۰). «پول، جنسیت، توسعه: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان زنبوردار رامه». *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. دوره دو، شماره ۷.
- علیرضا نژاد، سهیلا؛ خاکپور، سحر؛ فتحی، سروش. (۱۳۹۳). «سرمایه اقتصادی و جنسیت در خانواده: مطالعه‌ای بر کنترل منابع مالی در خانواده‌های شهر تهران» *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. دوره ۶، شماره ۲۱.
- علیرضا نژاد، سهیلا؛ خاکپور، سحر. (۱۳۹۴). «تحلیل جنسیتی هزینه‌کرد و پس‌انداز پول در خانواده‌های تهرانی» *زن در سیاست و توسعه*. دوره ۱۳، شماره ۲.
- علیرضا نژاد، سهیلا؛ خاکپور، مروستی، الهه. (۱۳۹۶). «پول زنانه و اقتصاد خانواده: مطالعه‌ای در خانواده‌های تهرانی». *مجله علمی تخصصی علوم انسانی*. سال سوم، شماره ۲۵، جلد ۱.
- کوزر، آلفرد لوئیس. (۱۳۹۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوزر، لوییس ای؛ روزنبرگ، برنارد. (۱۳۷۸). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*. ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- لوکس، استیون. (۱۳۷۰). *قدرت؛ فرانسوی یا شر شیطان*. ترجمه: فرهنگ رجایی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- مینویی فر، طیبیه. (۱۳۸۹). جنسیت و تصمیم‌گیری درباره احساس قدرت در زن ایرانی و تغییرات آن با افزایش سن. (مطالعه موردی زنان شهر تهران). *پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- Adkins, Lisa and Skeggs, Beverley. (2004). *Feminism after Bourdieu* (first published). Oxford: Blackwell.
- Baker, Wayne; Jimerson Jason. (1992). *The Sociology of Money, The American Behavioral Scientist*, Jul/Aug 35, 6; ABI/INFORM Global pg. 678
- Deflem, Mathieu. (2003). The sociology of money, *Journal of classical Sociology*, Vol. 3 no. 1 67-96
- Hakim, Catherin. (2010). “Erotic Capital”. *European Sociological Review*. Vol. 26, No.5, pp: 499-518.
<http://www.catherinehakim.org/wp-content/uploads/2011/07/>
- Vogler, Carlolyn, Clare Lyonette and Richard D. Wiggins. (2007). *Money, Power and Spending Decisions in Intimate Relationships*, black well/journals/ sore. V56-il/Sore 719
- Zelizer, Vioviana. (2008). The Social Meaning of Money, *The American Journal of Sociology*, Vol. 95, No.2.